



نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران
www.afsaran.ir

سال چهارم - شماره ۳۷
جمعه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۵



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّا كَلَّمْنَاكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ
إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ

کاپیتولاسیون خاموش . انقلاب جاری ست

نماز بر استکبار! . فرهنگ کار . مصاحبه با آقای حسین عبادالله زاده (نویسنده نمونه کشوری)

هیچ عاشقی نیست که شرمسارِ نگون بختی خویش نباشد
و هر سپیده تلخی غیبت را نچشیده باشد
و در غروبِ نیلگون هر روز، شقایقش انتظار را نچیده باشد.
آنکه راه، غبار خستگی بر رویش نشاند و چشم، اشک را با خاک بر گونه‌اش درآمیخت
و نو به نو خود را از خاک انتظار بنا کرد.
فغان که نفس برآمد و بخت از خواب بر نیامد و چشم بلندای قد تو را به آغوش نکشید
و چه خرم درختانی که از خاک منتظران شاخه درهم کردند و با هر نسیم از سوی تو، سری بگرداندند.
ای خوب‌ترین حکایت تاریخ! ای شوکت آسمان در رنج زمانه! ای شگفتی رحمت خدا در نزول قرآن!
ای اقبال خوشایندِ روزهای رنج! ای ذوق مستی چشم‌های منتظر!
ستارگان فروزان و ماه نقره‌فام، بر من رشک برند گر نور تو، بر بخت آسمان چشمم طلوع کند.
صبح وصل عشاق و شفق خستگان بر تاریکی سحرم حسرت برند گر نسیم، تاری از طره‌ی
مشک‌بوی تو بر بختم افکند.
ای ترنم رحمت خدا بر رخسار منتظران
آه بر ما می‌نالد و گریه بر پایان خود دلتنگ است.
شب، برای سپیده‌ی صبح، سینه تیرگی شکافته و غروب به خون نشسته، حیران صبح است
و خدا کریمانه‌ترین وعده‌هایش، ربانی‌ترین مژده‌هایش
و حرز جان ما را به پای نغمه‌های ظهور تو ریخته
ای از تو خندان دشت گل‌های نرگس ... بیا!

نویسنده: matinemami

برای حضرت بابا



ماهنامه فرهنگی سیاسی اجتماعی میعاد

نشریه تولیدات شبکه اجتماعی افسران

جمعه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۵

شماره ۳۷

فهرست

۴	کلام نور
۵	سرمقاله
۶	دوقطبی، جامعه و تسلط دشمن
۷	اینفوگرافیک
۸	انقلاب جاری ست
۱۰	KKK نفرت انگیز
۱۱	نگارستان
۱۲	عرض لحظه‌ها را زیاد کن!
۱۳	گزارش تصویری
۱۴	فرهنگ کار
۱۶	وصیتنامه
۱۷	خاکیان افلاکی
۱۸	نماز بر استکبار!
۲۰	غزوه بنی مصطلق
۲۲	کلیپ
۲۳	طنز
۲۴	ماموریت شبکه‌های اجتماعی
۲۵	عینک
۲۶	احکام
۲۶	هویت بیگانه (نانوشته)
۲۷	مصاحبه
۳۰	شعر
۳۱	برگی از بهشت (عادت‌ها را بشکن)

سردبیر:

Baran

نویسندگان:

Matinemami - میثم اسماعیلی - حسین عبادالله زاده

Parasto - Khademoshahid - Parvaz77

Sobhanshahidi - Soode - Salam110

طراح و صفحه‌آرا:

س.م.حسینی

سایر همکاران:

Ighalameshghii - Mamitavanim92

طراح جلد:

س.م.حسینی

کانال ماهنامه در تلگرام:

@miaad_ir

رایانامه:

nashrie_afsan@mihanmail.ir

شماره پیامک:

۳۰۰۶۱۳۲۹۳۰۵۲۰

ما را در مسیری که شروع کرده‌ایم تنها نگذارید. ایده‌های خود را در مورد مسائل فرهنگی، سیاسی و اجتماعی برای «میعاد» بنویسید. ما به توانایی‌های نسل جوان ایمان داریم. منتظر نقدها و نظرات شما درباره مطالب نشریه هستیم. اگر عیوب ما را به ما هدیه دهید، دوست داشتنی‌ترین برادر ما خواهید بود.

مسئولیت مطالب درج شده در نشریه به عهده نویسندگان آن است. استفاده از مطالب مندرج در نشریه تنها با ذکر منبع مجاز می‌باشد. هیئت تحریریه از مطالب ارسالی استقبال می‌کند.

نشریه «میعاد»، وعده‌گاه سربازان متعهد و دلسوز جبهه جنگ نرم است و خود را جزئی از حرکت مستمر و بالنده انقلاب در رسیدن به تمدن اسلامی می‌داند. به کارآمدی سنت علمی، عملی و رهنمودهای بنیان‌گذار کبیر انقلاب^(ع) و رهبر معظم خود^(حفظه الله) اعتقاد دارد و راه و روش خود را بر اساس، حفظ، ترمیم و بالندگی انقلاب اسلامی طراحی می‌کند و حرکت خود را با تکیه بر آن منویات بی‌بدیل پیش می‌برد. نگاه ما به تحولات جهانی، نگاهی یکپارچه به گذشته، حال و آینده است، چون معتقدیم بی‌توجهی به هریک باعث خسران است و استمرار حرکت اصیل اسلامی، در گرو فهم گذشته و مدیریت حال برای تحقق آینده مطلوب است. این نشریه، درصدد احیاء، تبیین، همسرایی و همگرایی مفاهیم انقلابی اسلام در حوزه‌های سیاسی - اجتماعی برای مخاطب خود است؛ با نگاهی بیشتر و عمیق‌تر...



ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم، ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم، ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهانخواران کنار زدیم، ما در جنگ دوستان و دشمنانمان را شناخته‌ایم، ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم، ما در جنگ ابهت دو ابر قدرت شرق و غرب را شکستیم، ما در جنگ ریشه‌های انقلاب پربار اسلامی‌مان را محکم کردیم، ما در جنگ حس برادری و وطن دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم، ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد، جنگ ما فتح فلسطین را به دنبال خواهد داشت، جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظام‌های فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند، تنها در جنگ بود که صنایع نظامی ما از رشد آن چنانی برخوردار شد و از همه اینها مهم‌تر استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت.



امام خمینی (ره) ۱۳۶۷/۱۲/۳

با اسلام دشمنند. دشمنی با اسلام انقلابی، اسلام امام، اسلام زندگی‌بخش، اسلامی که وقتی پرچمش برافراشته می‌شود، همه‌ی دنیا را به خود متوجّه می‌کند؛ همچنانی که امروز هم همین‌طور است. دشمنی با این اسلام به‌خاطر این است که اسلام، دست بیگانگان را از این‌جا کوتاه کرد و منابع این کشور را از دست بیگانگان نجات داد. لذا امروز خدمت به ایران و خدمت به ملت ایران، عبارت از خدمت به اسلام است. هرکس که امروز اسلام انقلابی، اسلام امام، اسلام زندگی‌بخش و اسلام مبارزه با ظلم و ستم را گرامی بدارد - نه آن چیزی که به نام اسلام در مقابل ظلم و ستم، تعظیم می‌کند! آن اسلام نیست، فریب است - هرکس که امروز اسلام حقیقی و به تعبیر امام بزرگوار ما اسلام ناب محمدی را تأیید و حمایت کند، اوست که برای ایران و ملت ایران، برای تاریخ ایران و آینده‌ی ایران و یکایک آحاد این ملت خدمت می‌کند.



مقام معظم رهبری (حفظه الله) ۱۳۷۸/۹/۳

کاپیتولاسیون خاموش

به قلم سردبیر: Baran

که تحصیل دنیاطلبی‌های خود را مشروط به رفتن زیر بیرق سفارتخانه‌ها می‌دیدند.

اکنون به واسطه پیروزی انقلاب و جانفشانی ملت بزرگ ایران این قانون بطور رسمی در کشور وجود ندارد. اما آیا امروز این آثار در جامعه دیده می‌شود؟ رابطه‌ای که سالها بواسطه ظلم استعمارگران با این کشورها به حداقل رسیده بود و می‌رفت کشور را به خودکفایی ملی برساند در دولت یازدهم به بهانه رفع تحریم‌ها دوباره جان گرفت و در طول این سه سال همان امتیازات کاپیتولاسیون با شیوه‌ای دیگر از دولت مطالبه شد.

آزادی جاسوسان و مجرمان امنیتی وابسته به غرب، دخالت در سیاست خارجی ایران و نوع تعامل با کشورهای دیگر بخصوص ملت‌های انقلابی مانند بازگشت کشتی‌های حامل کمک‌های ارسالی ایران به یمن. تحمیل واردات بی رویه در راستای نابودی اقتصاد داخلی و نابود کردن دستاوردهای کشور به دست خودمان! اکنون مستشاران نظامی جای خود را به شرکت‌های سرمایه گذاری، ناظران آژانس، شرکت‌های بزرگ نفتی و فعالان حوزه کارآفرینی و دانشگاهی داده‌اند که مستقیم یا غیرمستقیم پروژه نفوذ در سطوح مختلف برای اعمال سریع‌تر تغییرات ساختاری در نظام و فرهنگ ملت را دنبال می‌کنند.

آمریکا که زمانی تصمیم‌گیر بلامنازع ایران بود هنوز نتوانسته خاطره استثمار پرسود و بعد اخراج تحقیرآمیزش از ایران را از یاد ببرد. بنابراین با تغییر روش از دشمنی رو در رو به کسب اهداف از طریق نفوذ پنهانی برای اثرگذاری بر تصمیمات مسئولین و تغییر محاسبات آنها، موضوع تحریم و مذاکره را پیگیری کرد و اکنون توانسته یک کاپیتولاسیون خاموش را به کشور تحمیل کند.

با این پیروزی مقطعی مسلما شیطان بزرگ تکرار مسیر تحریم و مذاکره را به بهانه‌های مختلف دنبال می‌کند و همچنان امتیازات فراوانی را مطالبه خواهد کرد. ادامه این روند جز به تغییر نظام و بازگشت به دوران بردگی و حقارت پیشین نخواهد انجامید.

انتظار این است که مسئولین کشور به پاس عظمت ملت ایران، با اتکا به وعده الهی و اعتماد به مردم در سیاست‌های خود تجدیدنظر کرده و شائبه پشت کردن به مردم و نظام اسلامی را از خود بزدایند و استقلال کشور را فدای امیال حزبی و شخصی نکنند.

درباره منشاء کاپیتولاسیون روایت‌های مختلف تاریخی وجود دارد اما بطور قطع این امتیاز برای اولین بار، پس از فتح قسطنطنیه توسط بیگانگان به نفع اتباع کشور خود از دولت عثمانی گرفته شد و طی سالیان متمادی تکمیل گردید. پیمانی که بین فرانسه و سلطان عثمانی در سال ۱۶۰۴م بسته شد شامل چند شرط یا به زبان لاتین «کاپیتول» به نفع اتباع فرانسه بود از جمله: زیارت آزادانه عتبات اورشلیم؛ و فعالیت بدون محدودیت و کنترل کشیش‌های مسیحی همراه با تضمین امنیت و کمک به آنان! این دو کاپیتول به مهم‌ترین پایه‌های حقوق دیپلماتیک استعمارگران تبدیل شد و با تکامل این روند، اکنون قانون capitulation به معنای سازش و تسلیم و پذیرفتن شروط یک کشور، به قراردادهایی اطلاق می‌شود که به موجب آن اتباع یک دولت در قلمرو دولت دیگر مشمول قوانین کشور خود می‌شوند. سابقه کاپیتولاسیون در ایران به شکست ایران از روسیه و تحمیل پیمان ترکمانچای و پس از آن به دولت محمدرضا پهلوی برمی‌گردد که با ظهور امام خمینی و انقلاب اسلامی ملغی شد. درباره آثار اجرای کاپیتولاسیون می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- اتباع بیگانه با خارج شدن از قید و بندهای قوانین جزایی و مدنی کشور ضعیف‌تر، آزادانه به هر جنایتی دست می‌زدند و امکان مجازات آنها در کشور هدف وجود نداشت. به عنوان مثال روس‌ها به این وسیله، دامنه دخالت خود را تا آنجا گشانده بودند که محکومان دادگاه‌های ایران را اگر از وابستگان آنها بودند، از زندان بیرون می‌آوردند.

- این قانون موجب رشد تجاری خارجی‌ان و کسب منافع اقتصادی فراوان برای آنها و بالعکس موجب وابستگی تاجران و نابودی تولیدات داخلی میشد زیرا کشورهای خارجی، تعهدات اقتصادی بویژه واردات را بر اساس منافع خود هدایت کرده و در این راه، مانعی در برابرشان وجود نداشت.

- بهره‌گیری از مسائل اقتصادی و تجاری برای پیشبرد اهداف سیاسی و گسترش نفوذ خود. این کشورها با استفاده از مصونیت‌های اعطایی به افراد بیگانه، از تاجران به عنوان جاسوس استفاده نموده و سفارتخانه‌ها با توسل به این قانون، جاسوسان گرفتار شده را آزاد می‌کردند.

- در نهایت این قانون موجب اختلالات فرهنگی جامعه هدف می‌گردید. گذشته از یغمای میراث فرهنگی و اشیای نفیس تاریخی، در زمان محمدرضا پهلوی مصونیت قضایی مستشاران آمریکایی، زمینه افزایش جرم و اشاعه فساد را فراهم آورد زیرا بی‌بندوباری و فساد اخلاقی در میان نظامیان آمریکایی و خانواده‌هایشان رواج داشت و آنها به راحتی مردم را به سمت هرچه بیشتر غربی شدن سوق می‌دادند. بعلاوه موجب افزایش روحیه خیانت و وابستگی به بیگانه در بین برخی از مردم شد

دوقطبی جامعه و تسلط دشمن

نویسنده: sobhanshahidi



در نزدیکی انتخابات‌ها و حوادث مهم که سرنوشت یک کشور را تعیین می‌کند. برخلاف طبیعی بودن تفاوت‌های فکری، اختلاف و درگیری با وجود اینکه معمول است، طبیعی نیست و آسیبی است که باید رفع گردد وگرنه با وجود خطر دشمن بیرونی، می‌تواند به عامل شکست و نابودی تبدیل شود.

در وضعیت دوقطبی، طرفین در شرف جدایی از هم دیگر هستند و همچون دو سر متضاد، با چالش‌ها و درگیری‌های سیاسی، یکدیگر را دفع می‌کنند تا اینکه به جدایی کامل برسند.

دوای پیشگیری این بیماری بصیرت و عزم جدی است. با این دو می‌توان از تقسیم خط اصیل انقلاب به پاره‌خط‌های مختلف سیاسی و عقیدتی و ناهمگون جلوگیری کرد، سلاح بصیرت برای تشخیص حق و شناختن سازهای ناهمگون است و سلاح عزم برای پیمودن مسیر اصلی و تحمل سختی‌ها.

دانشمندان حوزه جامعه‌شناسی سیاسی معتقدند که عوامل تضادهای سیاسی دو نوع است: ۱- عوامل فردی ۲- عوامل جمعی
عوامل فردی مثل عوامل مربوط به احساسات افراد و روانشناختی فردی و عوامل جمعی مانند درگیری‌های عقیدتی، نژادی و طبقاتی.
دشمن با تحریک این عوامل جامعه را به سمت دوقطبی شدن پیش می‌برد. اما رهبر انقلاب برای چه این هشدار مهم را در این مقطع زمانی می‌دهد؟

جمهوری اسلامی ایران اکنون در برهه حساسی است و وظیفه مهم اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی که زمینه‌ساز حل بسیاری از مشکلات و وابستگی‌ها است را برعهده دارد. در این زمان که بار قطار انقلاب بسیار مهم و سرنوشت‌ساز است، دشمن با استفاده از فرصت‌های پیش آمده کمین زده تا آن را سرنگون کند.

عملکرد رسانه‌های دشمن نشان می‌دهد آنها به شدت دوقطبی سازی در ایران را دنبال می‌کنند و در این راه از وقایع مختلف و صحبت‌های مسئولین به خوبی استفاده می‌کنند. بنابراین مسئولین باید بدانند چه می‌گویند و در چه جهتی سخنوری می‌کنند. اگر از روی جهل و ندانستن است که این همه غفلت بسی جای تاسف دارد و اگر هم از سر تعمد و لجاجت است که به قطار انقلاب ضربه می‌زنند.

کشور، انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶ را پیش رو دارد و باید مراقب بود فضای جامعه در انتخابات دوقطبی نشود و نسبت به هرچه که به آن دامن می‌زند باید بی‌اعتنا بود که در غیر اینصورت خواسته یا ناخواسته پازل دشمن را تکمیل کرده‌ایم.

«دشمن به دنبال ایجاد دوقطبی، دو فرقه‌ای و دو جریانی است همه مسئولان و مردم از وحدت موجود در کشور مراقبت کنند.»

۱۳۹۵/۰۲/۱۹

رهبر انقلاب این بار درباره دوقطبی‌سازی دشمن در جامعه به مسئولین و مردم هشدار می‌دهند. اما دوقطبی یعنی چه؟ ایجاد دوقطبی در ایران اسلامی چگونه ممکن است و چه آفاتی را دربر خواهد داشت؟
برای توضیح بهتر عملیات دشمن، از یک مثال استفاده می‌کنم؛ نظام جمهوری اسلامی ایران همچون یک قطار از ایستگاه مبدا که انقلاب اسلامی است به سوی مقصد که همان تمدن اسلامی در حرکت است. این قطار، مسافران و سرمایه‌های ارزشمندی را با خود دارد. اما آنچه که مهم است وجود یک بستر مناسب و درخور برای حرکت قطار است، بستری که تشکیل دهنده مسیر است، خطوط ریل در کنار هم و با همبستگی و پیوسته بودن، یک هدف و مقصد مشترک را دنبال می‌کنند و موجب حرکت این قطار می‌شوند.

در این مسیر قطعاً مشکلاتی به وجود می‌آید، از جمله دزدانی که به طمع سرمایه‌های موجود در قطار سد راه آن می‌شوند و یا با اجیر کردن کودکان شروری از آنان می‌خواهند با سنگ شیشه قطار را هدف بگیرند، اما تا وقتی که خطوط ریل به هم پیوسته و مرتبط باشند قطار به هیچ مشکلی برنخواهد خورد و اگر سرعت خود را حفظ کند می‌تواند از تمام این موانع عبور کند. در این سی و هفت سال سرنشینان قطار ثابت کرده‌اند که موانع اینچنینی در جهت متوقف کردن حرکت آنان کارساز نبوده و نخواهد بود.

با این وجود اکنون دزدها فهمیده‌اند که برای توقف کامل قطار و تصاحبش باید مسیر آن را از بین ببرند. تا زمانی که ریل به هم پیوسته و منظم باشد و تا وقتی که خطوط در کنار هم هستند نقشه‌هایشان برای توقف قطار بی‌نتیجه است اما وقتی آنها را از هم جدا و دور کنند قطار دیگر بستری برای حرکت نخواهد داشت و به راحتی قابل غارت خواهد بود.

این سرنوشت تلخ در هر جامعه‌ای که دچار دودستگی یا اصطلاحاً دوقطبی‌سازی شود پیش خواهد آمد. در تاریخ معاصر ایران و سایر کشورهایی که زمانی مستعمره جهانخواران بوده اند بارها و بارها دیده‌ایم که دشمن با سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» بر ملت‌ها حکومت کرده و آنها را عقب انداخته است.

معمولاً این پدیده اجتماعی-سیاسی در برهه‌های حساس هر کشوری رخ می‌دهد همچون زمان بارور شدن یک نهضت و حصول نتیجه یا



تولید داخلی بایستی به عنوان یک چیز مقدس شمرده بشود. حمایت از تولید داخلی باید یک وظیفه شناخته بشود؛ همه خودشان را موظف بدانند از تولید داخلی حمایت بکنند.

بیانات امام خامنه‌ای ۱۳۹۵/۲/۸





نویسنده: [matinemami](#)

همراهان هر انقلاب را می‌توان به دو دسته متمایز از هم شناخت: یک عده از احرار و مصلحان برجسته که از اول طلوع انقلاب همه اوقات با رهبر و اهداف آن هم عقیده و هم قدم بوده و در تمام سوانح و حوادث با او همراه، و دقیقه‌ای از عقیده پاک و راسخ و محکم خود منحرف نشده‌اند. دسته دیگر از همراهان، سست عقیده و منفعت پرست هستند که در جریان انقلاب از آزادی‌طلبی و وطن‌خواهی منصرف گشته و به دنبال منافع و مطامع شخصی رفته و مسلک و مرام و آرمان‌ها و تمام منافع ملی و انقلابی را به بیگانگان و خائنین داخلی می‌فروشند.

مطالعه تاریخ اسلام نشان می‌دهد که پس از وفات پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مسیر انقلاب جهانی آن حضرت و شکل و محتوای آن، تا حدود زیادی عوض شد؛ این مسأله بر اثر نفوذ افراد فرصت‌طلب و دشمنان، که بعدها با تغییر شکل و قیافه، خود را در صفوف مسلمانان داخل کرده بودند، به وجود آمد. بدین ترتیب، از اواخر قرن اول هجری، تلاش‌هایی آغاز شد تا از این انقلاب با ماهیت اسلامی، به یک انقلاب دارای ماهیتی صرفاً قومی و ملی (عربی) تعبیر شود.

وارثان دروغین میراث پیامبر به جای اعتقاد به ارزش‌های اسلام و اسلام و مسلمینی که با هدف رسیدن به تمدن اسلامی، قیام و انقلاب کرده و دستاوردهایی نیز به دست آورده بود، با معیارها و اصول اعتقادی خاص خود و با تشکیل حکومت‌های سلطنتی خود را پیروز دانستند، به انقلاب ماهیتی قومی و عربی دادند و معتقد شدند که حالا زمان، زمان حکومت اسلام است. بدیهی است که همین امر برای ایجاد شکاف در درون جامعه اسلامی کافی بود. چون در مقابل، گروهی به حق مدعی بودند؛ چیزی که گروه اول مطرح می‌کنند، اسلام واقعی نیست؛ زیرا در اسلام حقیقی، مبارزه و انقلاب، تا نصرت الهی و رسیدن به هدف نهایی، یعنی تمدن اسلامی، باید ادامه یابد. منطق اشتباه در رویکرد انقلابیون و یاوران انقلاب، ناتمام گذاشتن آرمان‌های انقلاب و توقف در مرحله پدیداری و پایداری و چیدن میوه کال پیروزی از درخت نارس انقلاب است. به تعبیر استاد مطهری؛ متأسفانه تاریخ نهضت‌های اسلامی صدساله اخیر، نشان از یک نقیصه در رهبری روحانیت شیعه دارد و آن این که روحانیت نهضت‌هایی را که رهبری کرده تا مرحله پیروزی بر خصم ادامه نداده است (بررسی احتمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، ص ۹۲)

در مورد انقلاب اسلامی ایران نیز هرچند وضعیت متفاوت است، اما هنوز همه آرمان‌های انقلاب تحقق نیافته است. مطمئناً تلاش در جهت تقویت و اجرای آرمان‌ها، واقعی نگه داشتن انقلاب، مقابله با توطئه، هوشیاری در برابر نفوذ دشمن و ایستادگی در مقابل استحاله، به افزایش اقتدار و استحکام انقلاب و نفوذ بین‌المللی آن و در نهایت تمدن اسلامی می‌انجامد.

در ششمین سال از شروع انقلاب و قیام جنگل، خالو قربان؛ فرمانده حدود هشتصد نفر از نیروهای قیام جنگل و کمیسر جنگ در حکومت جمهوری گیلان، در روز یازدهم دسامبر، سر یار و هم‌رزم پیشین خود و رهبر نهضت جنگل، میرزا کوچک‌خان را به عنوان هدیه گرانها، در تهران، به رضاخان میرپنج تقدیم کرد.

تاریخ بسیار نقل کرده از انقلاب‌هایی که معمولاً انقلابیون و مصلحان، گام‌های اولیه را با موفقیت برمی‌دارند و رژیم و حاکم ظالم را برانداخته و وضع موجود را متحول می‌سازند، ولی در تحقق اهداف انقلاب و بنای جامعه مطلوب ناکام می‌مانند. مانند قیام جنگل و انقلاب مشروطیت که حرکتی وسیع و مردمی بود و خون‌های زیادی نثار شد. و انقلاب مشروطیت که با گذشت کم‌تر از چهارده سال از فرمان مشروطیت، شاهد کودتای ۱۲۹۹ و پایه‌گذاری دیکتاتوری رضاخان و روی کار آمدن غرب‌زده‌ها می‌باشیم.





در هر انقلابی مانند این گروه وجود دارند؛ که به حرکت رو به جلوی انقلاب ایمان و اعتقاد ندارند، ولی حفظ و دستیابی به منافع شخصی یا گروهی، آنان را وا می‌دارد، با فرصت طلبی در تار و پود انقلاب و حتی، تا آنجا که زمینه به آن‌ها اجازه دهد، در سطوح بالای انقلاب رخنه کنند. بدیهی است که پس از دستیابی به قدرت، دیر یا زود، در فرصت‌های مناسب لطمات و ضربات کوبنده خود را بر پیکر انقلاب، نظام و رهبری وارد می‌کنند.

استاد مطهری در این رابطه می‌گوید: «هر نهضت مادام که مراحل دشوار اولیه را طی می‌کند، سنگینی‌اش بر دوش افراد مؤمن، مخلص و فداکار است. اما همین که به بار نشست و یا لاقط نشانه‌های بار دادن آن آشکار گشت و شکوفه‌های درخت آن هویدا شد، افراد فرصت طلب نفوذ می‌کنند... تا آن جا که انقلابیون مؤمن و فداکاران اولیه را از میدان به در می‌کنند... انقلاب فرزندخور نیست، غفلت از نفوذ و رخنه فرصت طلبان است که فاجعه به بار می‌آورد... مبارزه با رخنه و نفوذ فرصت طلبان علی‌رغم تظاهرات فریبده‌شان یکی از شرایط اصلی (حفظ) یک نهضت در مسیر اصلی است.» (محمدتقی مصباح‌یزدی، نظریه سیاسی اسلام، ص ۹۴-۹۳).

در مسیر رسیدن به تمدن اسلامی، دشمن و آنان که از اسلام و انقلاب ضربه خورده‌اند، بی شک در افکار شیطانی خود، انتقام و فریب دادن و متزلزل کردن، ترساندن و به طمع انداختن انقلابیون و سپس نابود کردن انقلاب را می‌پروانند و از تمام حربه خود استفاده می‌کند تا ریشه و روحیه انقلابی و انقلابی‌گری با پشتوانه اسلام را، هرج و مرج و افراطی‌گری نشان دهد تا راهی برای شمات انقلابیونی که؛ مقابل زیاده خواهی، تجددگرایی و سرسپردگی او را به اربابان قدرت می‌ایستند، داشته باشد. در حالی که، انقلابی‌گری یعنی حفظ روحیه عصیان نسبت به زشتی‌ها و اخلاق ناپسندی که موجب سقوط انسان و اجتماع در ورطه خودخواهی و ابتذال و پشت پازدن به اصول می‌شود. دشمنان خواستار سکون انقلاب و سکوت انقلابیون هستند تا در غفلت ناشی از آن، هواپرستی را حاکم کنند. مگر دشمنان انقلاب و شیاطین دست از اهداف شوم خود برداشته‌اند که ما باور کنیم شوریدن بر ضد توطئه‌های آن‌ها باید به فراموشی سپرده شود؟ بنابراین روحیه انقلابی برای مقابله با خیانت‌های آنان باید همواره در ما زنده بماند (میرسلیم، جرعه جاری، «براندازی انقلاب اسلامی ایران»، ص ۲۳۱).

آنچه که مراحل پدیداری، پایداری و سپس رسیدن به هدف انقلاب را به شدت از خود متأثر می‌سازد، تجددگرایی افراطی با شعار مدرنیته ولی در اصل، با مفاهیم و مراحل پایین و نازل آن یعنی مدرنیسم و مدرنیزاسیون است. تلفیق اسلام با اندیشه‌های غیراسلامی، با شعار اسلام رحمانی در مقابل اسلام انقلابی، برای زیبا جلوه دادن آن است. در رویارویی با منطق نوگرایی، دچار بهت‌زدگی، انفعال‌گرایی، خودباختگی و تأثیرپذیری در برابر مؤلفه‌های مدرنیسم، که در مظاهر و مصنوعات جلوه‌گر است، می‌شوند. در حالی که؛ شعار مدرنیته در عناصر اصلی انقلاب‌ها که شامل استقلال، عزت، عقلانیت است، تبلور ذاتی دارد یعنی؛ استفاده از ظرفیت درونی و فرصت لازم به نیروهای پای‌بند به انقلاب در دوران پایداری آن و توزیع صحیح قدرت سیاسی و اقتصادی و علم آموزی و فناوری در جهت تعالی، قدرت نرم و سخت انقلاب.

دشمن، برای ایجاد مانع در حرکت انقلاب به سوی تمدن اسلامی، ریشه‌های انقلاب را تحریف می‌کند تا انقلاب و انقلابیون را دچار انحراف کند. شکل‌گیری قیام مردم و معیار و الگوی انقلاب اسلامی را تحریف؛ عوامل، اشخاص و حوادث کم اهمیت را بزرگ و با بزرگنمایی عوامل، اشخاص و حوادث کم اهمیت و بعضاً خیالی یا بزرگ‌نمایی عناصر بی‌ارزش و جریان‌های ساختگی در حاشیه انقلاب، سعی می‌کنند تا سرچشمه و علل اعتقادی و تاریخی انقلاب اسلامی برای نسل امروز و آینده ناشناخته بماند یا در کنار عناصر بی‌ارزش و مشکوک، کم‌رنگ و مهجور جلوه داده شود.

اشخاص و جریان‌های کاذب انقلابی، عده‌ای از شخصیت‌های روشن فکری هستند که بعضاً سر و کاری با دین ندارند و یا حتی بعضاً دین ستیز نیز بودند، و در زمان مبارزه با حاکمیت طاغوت، درکنار نیروهای مذهبی با نظام طاغوت مقابله می‌کردند، ولی پس سقوط رژیم شاهنشاهی، به رغم عده و عده اندکشان، در مواردی مایه امید دشمنان انقلاب هستند؛ زیرا با برسرکار آمدن احتمالی آن‌ها امکان بسته شدن یا انحراف راه انقلاب میسر می‌شود.

پس از برقراری حکومت اسلامی نیز دولت موقت از افرادی استفاده کرد که بعضاً نه تنها مذهبی نداشتند، بلکه در تحقیر انقلاب و انقلابیون از خود جسارت نشان می‌دادند. این شخصیت‌ها ظاهراً مذهبی‌اند ولی فاقد انگیزه‌هایی هستند که انقلابیون را به پیروزی و هدف اصلی می‌رساند. آن‌ها طعمه خوبی برای دشمنان انقلاب‌اند؛ زیرا با تظاهر اعتقاد به انقلاب، جسورانه به تعرض نسبت به ریشه‌های انقلاب، رهبری و ولایت می‌پردازند. همین‌ها در دوران دولت موقت، از آزادی موجود در جمهوری اسلامی که مجالی برای تبیین حق است، و نه فرصتی برای تبلیغ باطل، سوء استفاده کرده و با راه انداختن مطبوعات متهتک و جنجالی و غیر متعهد نسبت به آرمان‌های نظام، یا برگزاری جلسات سخنانی و به اصطلاح افشاگری، به تحکیم فلسفی مبانی انحراف اجتماعی پرداختند.



کوکلاس کلان (Ku Klux Klan) یا KKK نام سازمان‌های متشکلی در ایالت متحده آمریکا در گذشته و امروز است که از برتری نژاد سفید، ضدیت با آئین کاتولیک، بومی‌گرایی و نفرت نژادی پشتیبانی می‌کنند.

کوکلاس کلان نخستین بار در ۱۸۶۵ میلادی به دست کهنه‌سربازان ارتش کنفدراسیون آمریکا بنیاد نهاده شد. اهداف آن‌ها جلوگیری از جلوگیری از پیشرفت بردگان آزاد شده و مبارزه با قانون لغو برده‌داری بود. این سازمان در سال ۱۸۶۹ رسماً ممنوع و منحل گردید اما در سال ۱۹۱۵ توسط «ویلیام جوزف سیمونز» با استفاده از یک نیروی تازه و توانمند، یعنی ابزار ارتباط همگانی دوباره جان گرفت. گروه کوکلاس کلان این بار دارای سازماندهی ملی و ایالتی شد و در اوج رکود اقتصادی آمریکا و تا پیش از جنگ جهانی دوم میلیون‌ها تن به این گروه پیوستند.

کنگره آمریکا نیز ناچار شد قوانین خاصی را در مورد آن تصویب کند و از آن پس تاکنون فعالیت آنها قانونی به شمار می‌رود؛ یعنی اگرچه کوکلاس کلان آشکارا یک سازمان نژادپرست است، اما از طرف قانون اساسی ایالات متحده آمریکا حمایت شده و آزادی کلام تضمین شده دارد.

کوکلاس‌ها برای رسیدن به اهداف خود از هیچ جنایت و عمل غیراخلاقی روی گردان نیستند. از ایجاد ظاهر وحشتناک برای خود و ترساندن سیاهان گرفته تا قتل‌عام‌های وحشیانه. یکی از رسم‌های اعضای کوکلاس کلان این بود که شب هنگام ماسک‌های سفید و مخصوصی که چهره‌های آنان را بسیار هولناک می‌نمود، بر سر و صورت خود می‌کشیدند. ماسک‌هایی که به نوعی کلاه نوک تیز شباهت داشت و فقط محل چشمها باز بود. این ماسک هولناک معمولاً با ردایی سفیدرنگ همراه بود که آنها را مانند اشیاع می‌ساخت.

اغلب جنایت‌های آنها شبانه و مخفیانه انجام می‌شد. کوکلاس‌ها با همان ظاهر مرگبار و هولناک در دل شب، به محل اقامت سیاهپوستان شبیخون می‌زدند و به خصوص آنهایی که مؤثر و خطرناک تصور می‌شدند را می‌زدیدند و با نهایت قساوت، طی مراسمی خاص می‌کشتند و با آن عکس یادگاری دسته جمعی می‌گرفتند. اسم این مراسم که با بستن دست و پای قربانی و پوشاندن خفه کننده سر و صورت همراه بود را، اصطلاحاً «لینچ کردن» گذاشته بودند. آدم ربایی، به صلیب کشیدن، دار زدن و زنده سوزاندن انسانها تنها به جرم رنگین بودن پوستشان جزو اعمال مشهور «شوالیه های سفید»

در تاریخ آمریکاست.

یکی از مهمترین جنایات نژادپرستانه آنها علیه سیاه پوستان در سال ۱۹۱۹ رخ داد که بیش از ۴۳ سیاه پوست در آن، هدف گلوله قرار گرفته، ۱۶ تن به دار آویخته و ۸ نفر سوزانده شدند و خانه‌های آنان به آتش کشیده شد. در این کشتار که از ۲۷ جولای تا ۳ آگوست رخ داد و در تاریخ آمریکا به «تابستان سرخ» مشهور است گروه‌های نژاد پرست، سیاهانی که برای رسیدن به حقوق برابر مبارزه می‌کردند را به طرز فجیعی به قتل رساندند. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ نیز در هم‌گذاری‌های متعدد موجب قتل تعداد زیادی از کودکان و کارگران شدند.

در حال حاضر بیش از یکصد گروه از این فرقه در آمریکا فعالیت می‌کنند. آنها هنوز هم از همه آمریکایی‌ها می‌خواهند که به صف مبارزان مخالف با ورود مهاجرین بپیوندند. تعداد آنها از سال ۲۰۰۰ میلادی ۵۶٪ افزایش داشته است. آنها اطلاعیه‌هایی منتشر می‌کنند که در آن این جمله درج شده: «منطقه شما تحت کنترل سازمان سفیدپوستان آمریکاست» و مهمترین عامل وحشت سیاه پوستان ساکن در شهرهای کوچک آمریکا هستند.

کشتار شهروندان رنگین پوست در حال نیاپش در کلیسا توسط «دیلان روف» ۲۱ ساله که از خود تصاویری با پرچم جنوبی‌های نژادپرست و علائم «کوکلاکس کلان» منتشر کرده بود و رفتار خشونت‌بار پلیس آمریکا با سیاه پوستان که منجر به قتل فجیع برخی از آنها شده نشان می‌دهد نسل جدید کوکلاس کلانها مانند قبل فعالیت دارند ولی با شیوه‌های مدرن!

با وجود سابقه پر از جنایت این گروه، باراک اوباما رئیس‌جمهوری آمریکا ۶ سال پیش در بیانیه‌ای به مناسبت مرگ سناتور «رابرت بایرد» رهبر سابق فرقه نژادپرستانه کوکلاکس کلان ها، وی را صدای خرد و اصول در آمریکا خوانده بود!

اوباما در حالی سخاوت و بزرگواری این سناتور کهنه‌کار آمریکایی را ستود که وی از سال ۱۹۴۲ به این طرف به صلیب کشیدن و نابودی سیاهپوستان این کشور را حق مسلم سفیدپوستان می‌دانست و تا سال ۲۰۰۵ حتی یک بار هم در مورد این مرام ضدانسانی خود ابراز ندامت نکرده بود.

در این میان عجیب است که چندی پیش آقای ظریف، وزیر امورخارجه، چند هنرمند کاریکاتوریست که خواهان روشننگری درباره هولوکاست هستند را با این گروه بیرحم مقایسه کرده است!!





دینداری یعنی زندگی پر برکت

نویسنده: soode

عرض لحظه‌ها را زیاد کن

برنامه ریزی و نظم: تقسیم اوقات شبانه‌روز به ما کمک می‌کند تا از لحظات مرده و بی‌فایده دوری کنیم و بر کیفیت ساعت‌ها بی‌افزاییم. امام خمینی (ره) می‌فرمودند: وقتی اوقات و کارهای شما برکت پیدا می‌کند که آنها را تنظیم کنید. در مورد نظم ایشان می‌گویند آن چنان منظم بودند و سر ساعت در کلاس درسشان حاضر می‌شدند که شاگردان، ساعتشان را با ورود ایشان تنظیم می‌کردند.

قرآن خواندن: در روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است «خانه‌هایتان را با تلاوت قرآن نورانی کنید... خانه‌ای که در آن قرآن خوانده می‌شود، وسعت پیدا می‌کند.» (۲) اینجا منظور از وسعت هم وسعت مادی و هم معنوی است.

سحرخیزی: اگر تجربه سحرخیزی داشته باشید حتما متوجه شده‌اید که یک ساعت صبح زود، به اندازه دو سه ساعت ظهر، کیفیت و فایده دارد. رسول خدا (ص) در این باره فرموده‌اند: «سحرخیزی مبارک است و همه نعمت‌ها به ویژه روزی را می‌افزاید.» (۳) کلمه مبارک، همان مفهوم برکت را دارد. همچنین در آموزه‌های دین بسیار بر بیداری بین الطلوعین تاکید شده است زیرا در این هنگام روزی افراد را تقسیم می‌کنند.

نماز اول وقت: خواندن نماز اول وقت باعث نظم در سایر امور زندگی نیز می‌شود. زیرا همیشه طوری برنامه‌ریزی می‌کنیم که به نماز اول وقت برسیم و امور دیگرمان را بر اساس آن، تنظیم می‌کنیم.

عبادت و یاد خدا: گاهی ما برای اینکه به کارهای دیگر برسیم، از کارهای عبادی مثلا نماز خود می‌زنیم، با عجله می‌خوانیم و سلام می‌دهیم غافل از این که خود این عبادات است که موجب برکت است. از مرحوم آیت الله بهجت نقل شده است که: «به تجربه ثابت شده که اگر از عبادات کم نگذاریم عملی که یک ساعت وقت لازم دارد در ده دقیقه تمام می‌شود.» (۴)

نکته مشترکی که اکثر این موارد را در بر می‌گیرد، یاد خداست. نه به این مفهوم که مدام در حال نماز باشیم یا ذکر بگوییم بلکه همین که در لحظه‌های کار و تلاش به یاد خدا باشیم و بدانیم که «ان الله بصیر بالعباد» (۵)، ارزش دقیقه‌هایمان بالاتر می‌رود و از آنها بهره بیشتری می‌بریم.

حتما برای شما هم پیش آمده است که نتوانید کارهای برنامه‌ریزی شده را در ساعات مشخص تمام کنید؛ انگار که لحظه‌ها از دستتان فرار کنند، یک ساعتتان کمتر از نیم ساعت بازده داشته باشد اما در کمال تعجب افرادی را می‌بینیم که در ساعت یکسان خیلی بیشتر از ما می‌توانند کار یا مطالعه انجام دهند. به قول دوستی انگار شبانه روز آنها ۴۸ ساعت است. این تفاوت در بهره‌برداری از ساعات یکسان، همان مسأله برکت در وقت است.

برکت به معنای ثبوت و پایداری خیر الهی در چیزی و رشد و افزایش است. (۱) علامه طباطبایی آن را امری غیرمحسوس و اعم از مادی یا معنوی می‌داند.

مسأله برکت در وقت را می‌توان زیرمجموعه قضیه نسبی بودن زمان به حساب آورد. در علم فیزیک نظریه نسبیت انیشتین، به این مسأله می‌پردازد که زمان، امری نسبی است و با توجه به مکان، سرعت و محیط می‌تواند متفاوت باشد که این مربوط به یافته‌های مادی است اما شکل کامل‌تر این قضیه خیلی زودتر از انیشتین و در واقع، در قرآن مطرح شده است. برای مثال در داستان اصحاب کهف داریم که وقتی بعد از سیصد سال از خواب بیدار شدند گمان بردند که یک روز یا کمی بیشتر خوابیده‌اند. یا اینکه در روز قیامت، مردگان هنگام برانگیخته شدن گمان می‌کنند که زندگیشان در دنیا بسیار کوتاه بوده است.

برکت یعنی وسعت بخشیدن، وسعت بخشیدن به مال، وقت و ...؛ از آن جمله می‌توان به نماز امیرالمومنین (علیه السلام) اشاره کرد؛ ایشان عابد گوشه‌گیری نبوده‌اند که تنها کارشان فقط نماز خواندن باشد، بلکه اشتغال به امور مهم دیگری نیز داشته‌اند اما ساعات عمرشان چنان وسیع و پربرکت بوده است که می‌توانسته‌اند در یک شب هزار رکعت نماز بخوانند. یا اینکه درباره علامه حلی (ره) می‌گویند آنقدر تعداد کتاب‌های تالیفی ایشان در مدت عمر هفتادساله، زیاد است که اگر حساب کنیم باید از روز تولدشان در حال نوشتن می‌بودند، حال آنکه حدودا از بیست سالگی شروع کرده‌اند! در عصر خود ما نیز افرادی مثل مرحوم آیت الله بهجت (ره) هستند که در شبانه روز سه یا چهار ساعت خواب برایشان کافی بوده است و باقی را به درس و عبادت و مطالعه می‌پرداختند. طی الارض نیز مصداق بارزی است از برکت یافتن زمان که به واسطه آن مسیرهایی که در زمان‌های طولانی باید پیموده شوند، در چشم به هم زدن طی می‌شوند.

چگونه این برکت را به دست بیاوریم؟

۱. لسان العرب، ابن منظور، ج ۱ ص ۳۸۶
۲. بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۳۰۰
۳. بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۱۸
۴. کتاب العبد، صفحه ۴۹
۵. غافر/آیه ۴۴



«شما صدای ما مجاهدین در خط مقدم جبهه هستید و شماييد که صدای ما را به گوش همگان می‌رسانيد»

مصطفی بدرالدین در دیدار با رئیس دفتر العالم در دمشق

حاج مصطفی بدرالدین (سید ذوالفقار) فرمانده کل شاخه نظامی حزب الله و جانشین
شهید عماد مغنیه در حمله توپخانه تکفیری ها به درجه رفیع شهادت نائل آمد.



خداوندی که ذات اقدسش هر لحظه در حال آفرینش بی‌بدیل است و پیوسته و در هر لحظه در حال خلق و آفرینش است، بنیان سعادت بشر را با کار بنا نهاده و چنین مقرر فرموده که به هر میزان سعی کند بهره‌برداری کند و به هر میزان که کشت درو کند. (ان لیس للانسان الا ما سعی و ان سعیه سوف یری) (۱)

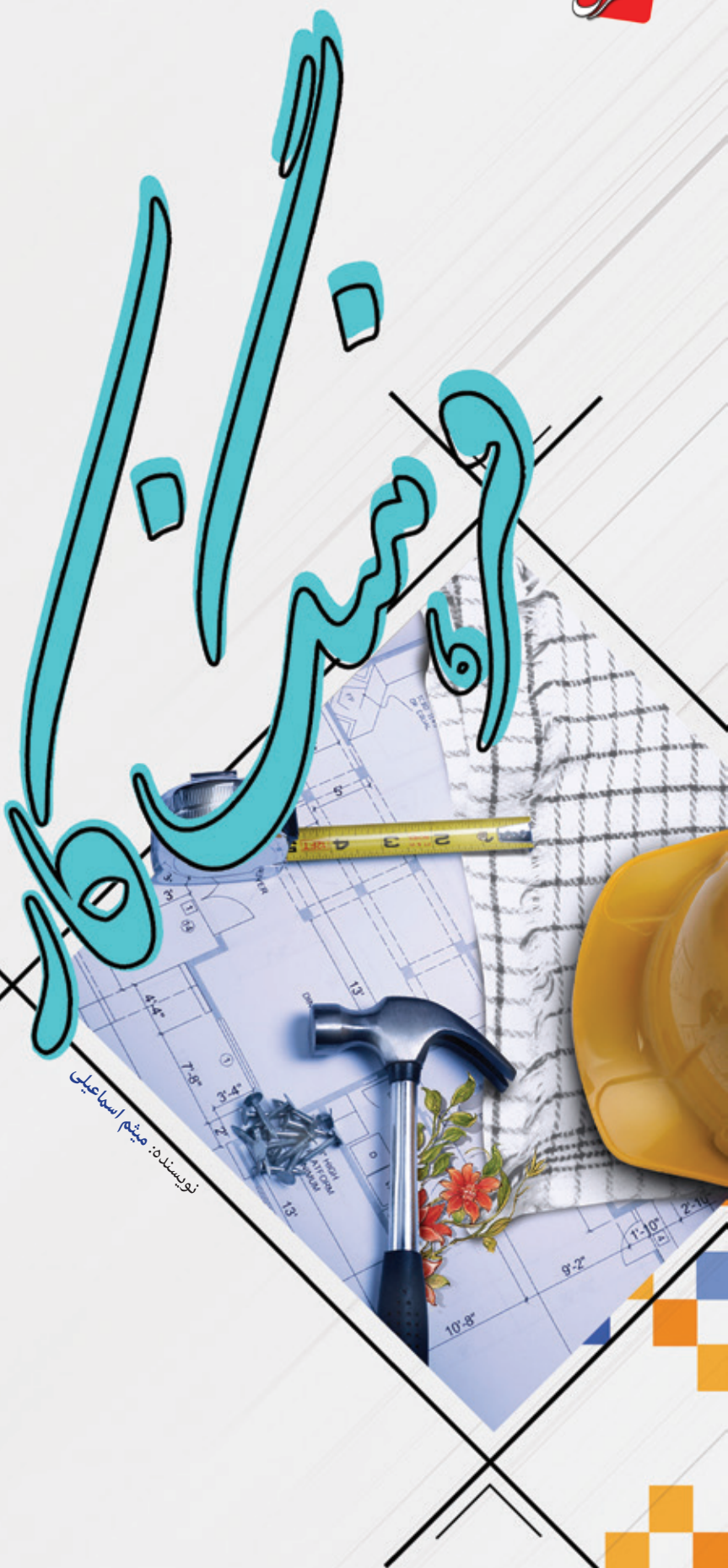
تجربه تاریخی نشان می‌دهد اصلی‌ترین و بلکه تنها سرمایه ماندگار ملتها؛ انسانهای با دانش، مخترع، تولیدکننده و کارآفرین است که می‌توانند بوسیله آن در دنیای کنونی پیشرفت کرده و اقتصاد کشورها را متحول و دگرگون سازند. فرهنگ ملی ایران نیز از گذشته‌های دور جایگاه شایسته‌ای برای کار قائل بوده است مانند این شعر مشهور که می‌گوید:

نابرده رنج گنج میسر نمیشود
مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

در آموزه‌های دینی نیز کار ارزش‌والایی دارد. امام علی (ع) می‌فرماید: «آفت و نابود کننده کامیابی و پیروزی، سستی و بیکاری است.» (۲) و در حدیثی از امام باقر (ع) آمده است که می‌فرماید: «کسالت و بیکاری و سستی ضرر رساننده به دین و دنیا است.» (۳) قرآن حکیم نیز برای بهره‌برداری از زمین و نعمتهای الهی توصیه به تلاش و فعالیت برای زندگی و حیات مادی و معنوی خویش کرده و می‌فرماید: «به تحقیق شما را در زمین قدرت عمل دادیم و برای شما در آن وسایل معیشت نهادیم، اما چه کم سپاسگذاری می‌کنید.» (۴)

همه این آیات و روایات حرکت بخش و نیرو دهنده، انسانها را تشویق به فعالیت، کار و تلاش و ایجاد اشتغال می‌کند و جامعه دینی با داشتن چنین دستوراتی باید خود را از معضل بیکاری برهاند و زمینه‌های زندگی سالم افراد را فراهم نماید. اما با وجود چنین فرهنگ غنی در زمینه کار و کارآفرینی باز شاهد مشکلات فراوانی در زمینه اشتغال در جامعه هستیم و باید موانع رشد و توسعه فرهنگ کار به دقت بررسی شود. برخی آسیب‌های این مقوله از دید رهبر معظم انقلاب بدین شرح است:

چرا فرهنگ کار جمعی در جامعه ما ضعیف است؟ بعضیها با داشتن توان کار، از کار می‌گریزند؛ علت کارگریزی چیست؟ وجدان کاری در جامعه ما چقدر وجود دارد؟ محکم‌کاری در تولید چقدر وجود دارد؟ تولید کیفی در بخش‌های مختلف چقدر مورد توجه و اهتمام است؟ چرا به ما می‌گویند که ساعات مفید کار



نویسنده: میثم اسحاقی

خدمات و تولیدات دانش بنیان و جلوگیری از واردات بی‌رویه و تغییر جهت‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی از خام فروشی، مدرک‌گرایی، واسطه‌گری و استفاده از انواع رانت‌ها به سوی آموزش مهارت‌های فنی و مدیریتی و ایجاد بنگاه‌های کوچک، جامعه را به سوی ایجاد اشتغال و کارآفرینی رهنمون سازد. عموم مردم نیز باید مصرف تولید داخلی را یک وظیفه ملی بدانند و خود نیز اقدام به ایجاد کار و کسب و تولید محصول باکیفیت به صورت انفرادی و گروهی نمایند. ضمن آنکه همه مردم باید هرنقطه‌ای که مشغول به کار هستند آنجا را مرکز کشور بدانند و باور داشته باشند که هر اقدام مثبت در کل به اقتصاد کشور کمک خواهد کرد.

در پایان باید گفت ایران اسلامی می‌بایست به یکی از قدرتهای اقتصادی پیشرفته تبدیل شود. ضرورت تحقق این خواسته بسیج شدن تمام ظرفیتهای فرهنگی و اقتصادی کشور در تمام نهادها و دستگاه‌ها به صورت یکپارچه و هماهنگ است تا کار و کارآفرینی به فرهنگ غالب در جامعه تبدیل گردد.

پی‌نوشت:

- (۱) سوره نجم آیات ۳۹ و ۴۰
- (۲) میزان الحکمه جلد ۸ ص ۳۹۲
- (۳) همان منبع ص ۳۹۳
- (۴) سوره اعراف آیه ۱۰
- (۵) دیدار امام خامنه‌ای با مردم خراسان شمالی مهر ماه ۱۳۹۱

در دستگاه‌های اداری ما کم است؟ هشت ساعت کار باید به قدر ۸ ساعت فایده داشته باشد چرا به قدر ۱ ساعت یا نیم ساعت؟ مشکل کجاست؟ (۵)

یک جامعه آرمانی اسلامی در بعد اقتصادی نیز یک جامعه ارزش‌آفرین در راستای کسب روزی حلال است. همه انسانها باید فرصتهای یکسانی برای پیشرفت مادی و معنوی داشته باشند و بدانند راه تولید ثروت کار با ارزش و باکیفیت است نه بلااستفاده نگه داشتن زمین برای افزایش قیمت، رانت‌خواری و واسطه‌گری و رباخواری و امثالهم. درواقع هرچه انسانها داناتر، دارای مهارت بیشتر، خلاق‌تر، صاحب پشتکار بیشتر و مصمم‌تر باشند بیشتر موجب موفقیت خود و جامعه خویش می‌شوند.

حال اگر ملتی امکانات مادی داشته باشد، خودباوری هم داشته باشد ولی در آن جامعه کار و تلاش صورت نگیرد تولیدی رخ نمی‌دهد. به همین دلیل است که دشمنان پیشرفت ملت، تخریب کار شریف را با تبلیغ مشاغل کاذب و راحت‌طلبانه در دستور کار قرار می‌دهند. لازمه دیگر ارتقاء فرهنگ کار تعیین سیاستها و قوانین صحیح برای ایجاد تناسب منطقی بین تلاش‌های محصول آفرین و حلال انسان‌ها با میزان درآمد آنهاست.

متأسفانه از ابتدای دهه هفتاد و پس از جنگ با تسلط تفکر لیبرالیسم و اقتصاد آزاد و سرمایه داری در دولت سازندگی و مناصب دولتی، دیوانسالاری و روابط ناصحیح اقتصادی بر فضای کشور حاکم گشت. روابطی که نشأت گرفته از تسلط دولت بر منابع عظیم ملی بود و انتقال این منابع عظیم و سوسه‌انگیز به افراد خاص باعث ایجاد رانت و نابرابری و فساد شد و اصلی‌ترین و راحت‌ترین راه برای رسیدن به ثروت به جای کار و دانش بر اساس روابط ناصحیح اقتصادی قرار گرفت و اندک اندک این مساله موجب کاهش انگیزه جهت ایجاد شغل و تولید گردید و استمرار این تفکر و روش پس از مدتی کشور را به سوی وابستگی و واردات بی‌رویه برد و تولید داخلی را با چالش‌های فراوان همراه کرد.

این موضوع به مرور زمان فرهنگ عمومی جامعه را از تولید به سوی مصرف و کسب ثروت از راه‌هایی مانند واسطه‌گری، زمین خواری، رشوه، اختلاس و در بهترین شرایط اشتغال در دستگاه‌های دولتی که خود با مشکلاتی چون کم‌کاری، عدم بهره‌وری، عدم استفاده درست از استعدادها و فساد اداری درگیر می‌باشد رهنمون ساخته است. همین امر موجب بزرگترین چالش اقتصاد کشور یعنی از بین رفتن کار و تولید داخلی به دلیل عدم حمایت و رکود و بیکاری گسترده می‌باشد به گونه‌ای که طبق اعلام مرکز پژوهش‌های مجلس تعداد بیکاران به مرز ۷ میلیون نفر رسیده است.

حال که براساس سند چشم انداز بیست ساله که حدوداً به نیمه آن رسیده‌ایم باید به قدرت اول اقتصادی منطقه تبدیل شویم همانطور که رهبری فرزانه در ابتدای سال در مشهد فرمودند یک راه بیشتر نداریم که همان اقتصاد مقاومتی است که یکی از ملزومات آن گسترش فرهنگ کار و تولید می‌باشد. در این راه دولت و ملت وظایفی دارند که اگر کوتاهی کنند ضربات بیشتری بر پیکره اقتصاد وارد می‌شود و راه ناتمام می‌ماند.

وظیفه دولت اینست که باحمایت از تولید داخلی در زمینه‌های کالا،

سجاد طاهرینیا

ارسال شده توسط: mamitavanim92



باسلام به امام زمان (عج) و نائب برحقش خامنه‌ای عزیز به نام آنکه عشق را آفرید تا ارباب عاشقان حسین شود چند سال پیش دو بزرگی که پدر شهید بودند به من توصیه کردند که دو چیز را هرگز فراموش نکنم:

۱- هر روز خواندن زیارت عاشورا

۲- قناعت کردن در تمامی کارها

پدر و مادر

با عرض سلام به شما عزیزان که تمام وجود و هستی خودتان را فدای تربیت بنده حقیر کردید. از شما عزیزان ممنون هستم ولی شرمنده که نتوانستم هیچگاه کنار شما باشم و خدمتی برایتان انجام بدهم. فقط می‌توانم بگویم ان شاء الله حضرت زهرا (س) و حضرت علی (ع) اجرتان دهد و شفیع شما باشد... دوستدار شما: پسر شرمنده شما

همسر عزیزم

با عرض سلام و خدایوت به شما که همه بار این زندگی و تربیت فرزندانمان بدوش شما می‌باشد. از حضرت زینب (س) و بی بی سه ساله برای شما آرزوی سلامتی و صبر و استقامت طلب می‌کنم. از شما بخاطر همه چیز ممنونم. از اینکه در تمامی مراحل زندگی پشت بنده‌ی حقیر بودی و مرا در تمامی لحظات یاری کردی. از خدا می‌خواهم در آخرت با هم باشیم شاید سختی‌هایی که در زندگی با بنده کشیدی را جبران کنم. لطفاً فاطمه رقیه و محمدحسین را ولایی تربیت کنید و بهشان بگویید که من به چه اندازه دوستشان دارم. خداوند توفیق داد هر روز دو رکعت نماز برای عاقبت به خیری از روز اول تولد بچه‌ها تا

الان خواندم اگر در توان شما بود برایشان بخوانید. یادتان باشد در تمامی مراحل زندگی فقط توکل کنید به خدا و قناعت کنید و به هرچیزی که خداوند به شما داده راضی باشید و از کسی جز خداوند چیزی نخواهید. ببخشید که در لحظات سخت نبودم هرچند وظیفه بنده بود اما بخاطر همه سختیها از شما عذرخواهی می‌کنم. از خط ولایت جدا نشوید و چادر این هدیه حضرت زهرا (س) را که امانتی دست شما هست، را پاسداری کنید. سلام مرا به پدر و مادرتان برسان و بهشان بگو تشکر می‌کنم برای همه چیز. دوستدارت آقای

فرزند نام

با عرض سلام به شما دو امانت خداوند که خدا می‌داند شما را چه اندازه دوست دارم و عاشقتان هستم. از شما خواهش می‌کنم که به مادرتان کمک کنید و درستان را بخوانید و در تمام مراحل زندگی فقط از خدا و ائمه کمک بخواهید. شما دو نفر عزیزتر از جانم هستید. شما را قسم می‌دهم که باعث روسفیدی مادرتان باشید. خانم فاطمه‌ی عزیز حجاب را همیشه رعایت کن مثل مادرت. چادر را که دست شما امانت است پاسداری کن... از پدرتان راضی باشید. مادرتان را تنها نگذارید. گوش به فرمان امام خامنه‌ای باشید. دوستدار شما: پدری که همیشه به یادتان است

تقاضای از فرماندهان

از فرماندهان خواهش می‌کنم اگر خداوند توفیق شهادت را نصیب کرد اگر جنازه‌ام دست دشمنان اسلام افتاد به هیچ وجه حتی اندکی از پول بیت‌المال را خرج گرفتن بنده حقیر نکنند.



خاکپایان افلاک

ارسال شده توسط: salam110

• وقتی خانم موحد از بالای بام، تریلی های مملو از لباس را دید گفت: به امام جمعه بگویید نیرو بفرستند. امام جمعه هم به نمازگزاران گفت ما یک گنج پیدا کرده ایم و فعالیت های ستاد پشتیبان جنگ را توضیح داد. بعد از آن نمازگزاران فوج فوج، سینه زنان از روی پل نادری آمدند به سمت چایخانه.

چایخانه اهواز، توسط مرحوم بی بی علم الهدی (مادر شهید علم الهدی) به یکی از مراکز پشتیبانی جنگ تبدیل شد و زنان بسیاری از سراسر کشور در گمنامی و بی ادعایی، ۸ سال تمام لباس های خونی، پاره و خاک آلود رزمندگان و شهدا را شستند و دوختند و رفو کردند و سالم و تمیز تحویل دادند.

• کوه لباس بود؛ از نیروی دریایی گرفته تا سپاه، بسیج و هواپیمایی، همه لباس هایشان در روزهای نزدیک علمیات آنجا می آمد و شبها هم خانم ها تا صبح لباس می شستند.

یکبار دیگر بعد از عملیات بیت المقدس که حدود ۲۰ هزار عراقی را به اسارت گرفته بودیم؛ نیروی زیادی به کمک مان آمد. کلاً قبل و بعد از هر عملیاتی که انجام می شد، لباس های زیادی برای شست و شو و تعمیر به چایخانه می آمد.

• رزمندگان در جبهه و ما هم در پشت جبهه. وقتی لباس رزمندگان را آماده می کردیم نوشته هایی هم داخل جیب شان می گذاشتیم. می نوشتیم خسته نباشی دلاور، لبخند بزن بسیجی، خدا قوت رزمنده، وطن را روی بال فرشتگان کشاندی و ... از این نوع چیزها تا وقتی بچه ها می خوانند روحیه بگیرند و همزمان با رساندن مواد غذایی و پوشاک به بچه ها نامه و عکس های بچه ها را هم به پشت خط انتقال می دادیم.

میزان صرفه جویی که در آنجا می شد، می تواند ضرب المثل همه ایران در مورد اقتصاد [مقاومتی] بشود، آنجا آنقدر در همه چیز صرفه جویی می شد که اگر لباسی دیگر قابل استفاده نبود، دندانه های زیب آنرا برمی داشتند تا در جایی دیگر استفاده کنند. شاید باورش این روزها سخت باشد اما واقعیت این است که لباسهایی که در زمان بمباران زیر آوار مانده بود را هم می آوردند پایگاه و بعد بازسازی آنها را برای رزمندگان می فرستادند.

• خستگی در کار ما نبود. کار برای خدا خستگی ندارد. حتی شبها هم خواب کامل وجود نداشت. بسیاری از خانم ها نماز شبشان را هم می خواندند و صبح فردا کارهای روزشان را آغاز می کردند و این روال برای شان ادامه داشت.

هر رزمنده ای که بخواهد یک شلیک خوبی انجام دهد، ۱۶ خدمه و پشتیبانی می خواهد تا کار خوب انجام شود. اکثر این حمایت ها و کمک ها را هم زنان تشکیل می دادند. ما در چایخانه سنتی اهواز با شست و شوی لباس های رزمندگان، ترمیم و دوخت آنها، اتو کردن و تمیز کردن آنها شاید میلیون ها تومان در آن زمان به نفع دولت فعالیت کردیم، تا آنجا که می شد لباس بچه ها را ترمیم می کردیم. پوتین ها را داخل حوضچه ها ریخته و می شستیم. کلمن ها تعمیر کرده و به جبهه می فرستادیم. پتوها را بعد از نظافت کامل برای استفاده بچه ها می فرستادیم.

• ایثار خانم هایی که در چایخانه کار می کردند بسیار مثال زدنی بود. حتی به یاد دارم مادر شهید علم الهدی خواب دیدند که حضرت زینب کفش های خانم های آنجا را جفت می کنند و در خواب به ایشان فرموده بودند: اینها کسانی هستند که به برادرم حسین (ع) کمک می کنند.

چایخانه اهواز همچون سایر عرصه های دفاع مقدس شاهد ایثارگری های فراوانی بوده است. خانم های جانباز شیمیایی که عده ای از آنها اکنون شهید شده اند گواه جان فشانی های زنان پشتیبان جنگ است. امروز هم در جنگ فرهنگی و به ویژه جنگ تمام عیار اقتصادی، اصلی ترین راهبردی استفاده از ظرفیت های مردان و زنان این سرزمین برای مقابله با دشمنان این مرز و بوم کشور است.

منابع روایت: آقای عادلین، خانم ها: فاطمه میرحبیبی، منصوره باریکائی، عصمت احمدیان (مادر شهیدان فرجوانی)



باقر نمازی استاندار استان خوزستان در دوره پهلوی، متولد ۱۳۱۵ و دارای مدرک دکترای اقتصاد و تابعیت ایرانی-آمریکایی در سال ۶۱ به آمریکا متواری شد و با آغاز به کار دومین دولت کارگزاران در سال ۷۲ تحت عنوان میهم «فرستاده و مشاور سازمان ملل در امور جامعه مدنی»، به ایران بازگشت.

ورود باقر نمازی به ایران همراه شد با تأسیس زنجیره‌ای از شرکت‌های مشورتی با حوزه فعالیت گسترده از مدیریت و آموزش تا مشارکت در پروژه‌های نفتی؛ عضویت و ارتباط گسترده با نهادهای وابسته به سازمان ملل، ارتباط با گری سیک و عضویت در پروژه گلف ۲۰۰۰، ارتباط نزدیک با آلن ایر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، مرکز CIPE و جان سولیوان، ارتباط با بنیاد فورد و موسسه نایاک (لابی ایرانیان مقیم آمریکا) نمونه‌ای از ده‌ها فعالیت مستمر و هدفمند این فرد به منظور تحقق اهداف سازمان‌های جاسوسی و لابی‌های سیاسی ضدانقلاب در ایران بوده است.

سیامک نمازی پسر باقر نمازی در ایران متولد و در ایالات متحده تحصیل کرده است. وی در سال ۲۰۰۷ در مجمع اقتصاد جهانی به عنوان «رهبری جوان در سطح جهانی» شناخته شد.

سیامک نمازی در ۲۴ سالگی (سال ۱۳۷۲) با مدرک «روابط بین‌الملل» دانشگاه تافتز آمریکا، به ایران بازگشت. او بعد از مدتی اولین و تنها شرکت دلالی وابسته به دولت با نام «آتیه بهار» را تأسیس کرد. این شرکت با رصد فضای سیاسی-اقتصادی کشور و تحلیل فاکتورهای مؤثر بر اقتصاد، ارزیابی جامعی را از چشم‌انداز بازار ایران به شرکت‌ها ارائه می‌کرد؛ اما با راه‌اندازی بخشی تحت عنوان «مشاوره راهبری صنعت نفت ایران» با ارتباطاتی که با مسئولین وقت وزارت نفت و همچنین شرکت‌های نفتی چندملیتی داشت، در این حوزه نیز به دلالی مشغول شدند.

از دیگر عرصه‌های حضور او می‌توان به ریاست برنامه‌ریزی استراتژیک هلال احمر نفت ایران، مدیرکل گروه مشاوره انرژی منطقه‌ای در دبی، کارشناس در رسانه‌های بین‌المللی از جمله سی‌ان‌ان، بی‌بی‌سی، فایننشال تایمز، مجله فورچون، مجله فوربز، رویترز، نیویورک تایمز، زمان، واشنگتن پست و همچنین مدیریت برنامه‌ریزی استراتژیک شرکت «کرسنت پترولیوم» دبی، صاحب یکی از بزرگترین پرونده‌های فساد اقتصادی در کشور، اشاره کرد.

زنجیره مافیایی آتیه؛ از سبک زندگی تا نفت و گاز

انشعابات «آتیه بهار» از سال ۷۹ یکی پس از دیگری با نام‌های «آتیه برنانگر»، «آتیه پایدار»، «آتیه روشن» و «آتیه اینترنشنال» سر برآوردند؛

زنجیره‌ای از شرکت‌ها که اعضای خانواده نمازی آن‌ها را اداره می‌کنند. به عنوان مثال شرکت «آتیه روشن» بیشتر در حوزه آموزش و سبک زندگی فعالیت‌های خود را متمرکز کرده است؛ از برگزاری کارگاه‌های «بهبود کیفیت زندگی» و «فرزندپروری» تا سایر زمینه‌های اجتماعی در دستورکار این شرکت قرار دارد و

بستر سازمان‌های مردم‌نهاد وابسته به سازمان‌های خارجی را با هدف شبکه‌سازی اجتماعی و تأثیرگذاری بر تحولات داخلی جامعه ایران بنا نهاده که از مهمترین طرح‌های اجرایی آنها «برنامه تحدید نسل ایرانیان» با هدف‌گذاری موفق ۱۰ ساله و «پروژه سازمان‌های مردم‌نهاد وابسته به بیگانه» و با واسطه‌گری سازمان موسسه همیاران ایران (غدا) بود که به محض تشکیل زیرساخت مذکور، مجموعه بزرگی از سازمان‌های بین‌المللی، واریز وجوه قابل توجهی به داخل کشور را با عنوان «توانمندسازی جامعه مدنی ایرانیان» آغاز کردند.

از جمله برنامه‌های مهم آنها در پروژه‌های مرتبط با سبک زندگی، پیگیری مقوله زاد و ولد بود که برگزاری کارگاه‌های بسیاری در کشور زمینه‌ساز اجرای این طرح گردید. یکی از این موارد، تشکیل «انجمن تنظیم خانواده» در بوشهر با هدف اجرای برنامه فراگیر «تحدید نسل ایرانیان» بود.

همکاری با فعالان بهایی در حوزه کودک

در جریان زلزله آذربایجان گروهی از تشکلهای خیریه تربیت شده توسط باقر نمازی، با تمرکز بر تجربه موفق زلزله بم و با تبلیغات وسیع بر ضد هلال احمر، دولت، کمیته امداد و تیم خدمات‌رسان به مردم، در منطقه مستقر شدند و حتی پس از پایان موقعیت بحرانی ابتدایی نیز حاضر به ترک روستاها نبودند! در پروژه زلزله بم، وضعیت امنیتی منطقه به واسطه ضعف ساختاری دولت اصلاحات به شدت بحرانی شد و چند سال بعد، ماجرای افتضاح واگذاری سرپرستی ۲۰۰ کودک منطقه به تشکیلات بهایی «ره آورد مهر و دانش» توسط وزارت اطلاعات کشف شد! اما این تازه آغاز کار گروهی بهائیان در حوزه مطالبه‌گری اجتماعی با موضوع «کودکان» بود.

پروژه «موتنه سوری» نیز ابتدا با ستاندن مدیریت و نظارت بر مهدهای کودک از وزارت آموزش و پرورش به عنوان زیرساخت ملی و سنتی کارآمد و برون سپاری وظایف آن به بهزیستی و سپس از بهزیستی به بخش خصوصی همراه با نفوذ

گردآورنده: ۱۱۰salam

مخبر استخبارات!



و ضعف شدید در نظارت آغاز شد که به سادگی با مشارکت آموزشی و بودجه بین‌المللی همه گیر شد!

اقدامات سمن‌ها (۱) و مراکز وابسته به باقر نمازی (موسسه همیاران ایران/غدا) در حوزه کودکان در قالب پروژه «آموزش مونته سوری» کماکان ادامه دارد و مهدهای کودک مروج رقص و موسیقی نمونه‌ای از این اقدامات هستند. (مجمع آموزشی مهدوی، خانه کودک مونته سوری، انجمن تنظیم خانواده متعلق به ملک افضل، معاون وزیر بهداشت وقت)

همکار کارگزاران- همراه اصلاحات

نمازی و پسرانش، با اتصال به گروهی از دولتی‌های نشان‌دار لایه‌های پیچیده فساد اقتصادی و اطلاعاتی گسترده شبکه مرتبط با انگلیس و آمریکا در ایران را شکل دادند. به عنوان نمونه بابک نمازی و بیژن خواجه پور (داماد خانواده نمازی) به مجمع تشخیص مصلحت نظام نزدیک شدند و در نگارش قانون سرمایه‌گذاری خارجی و مسئولیت اجتماعی شرکتی در ایران مشارکت کردند و سیامک نیز مجموعه شرکت‌های گروه «آتیه» را با هدف ارائه خدمات دلالتی به خارجی‌ها و اخذ پورسانت برخی دولتی‌های مشهور و آقازاده‌هایشان بنا نهاد و بزرگ‌ترین قراردادهای نفتی کشور را با شرکت‌های چندملیتی به خود اختصاص دادند و حتی شکل قراردادهای نفتی ایران را به نیابت از زنگنه و همکاران در لندن ارائه کردند و اکثریت قریب به اتفاق شرکت‌های سرمایه‌گذار نفتی به واسطه خدمات دلالتی انحصاری گروه آتیه به بازار ایران راه یافته‌اند.

یکی از راه‌های نفوذ نمازی‌ها اتصال به مهدی هاشمی بود. مهدی هاشمی از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۴ در استخدام شرکت ملی نفت ایران بود؛ مجموعه‌ای دولتی که کنترل بیشترین میزان تولید نفت و گاز کشوری با بزرگ‌ترین منابع گاز دنیا و سومین ذخایر نفت دنیا را در اختیار دارد.

اما رابطه با مهدی هاشمی، دردسرهای خودش را هم به همراه داشت. در سال ۱۳۸۳، شرکت استات اوایل نروژ از طریق شرکت هورتون، شرکتی که توسط یکی از نزدیکان مهدی هاشمی به عنوان واسطه اداره می‌شد، رشوه‌ای هنگفت برای تصاحب قرارداد نفتی پرداخت کرد. مهدی هاشمی سال‌ها بعد به خاطر نقضش در این رشوه‌خواری و دو اتهام دیگر مجبور به بازپرداخت ۱۰۴ میلیون دلار شد.

اقدامات براندازی و تغییر رژیم

شورای ملی ایرانیان آمریکا به راهبری تریتا پارسی و سیامک نمازی، بازوی سیاسی مافیای اقتصادی مذکور و در ارتباط نزدیک با کنگره آمریکاست. باند نمازی (نمازی، خواجه‌پور و تریتا پارسی) با چند اندیشکده مشهور و مطرح آمریکایی جهت براندازی در ایران، ارتباط تنگاتنگی دارند.

این شورا در ایام پس از انتخابات ۸۸ یکی از پایگاه‌های عمده در برگزاری نشست‌ها در حمایت از جریان فتنه‌گر بود. جلسات این شورا با حضور تئوریسین‌های براندازی و چهره‌های ضدانقلاب برگزار می‌شد و خروجی‌هایی هم از طریق اندیشکده‌های تحت امر این گروه، به عنوان آینده‌پژوهی شرایط ایران پس از انتخابات منتشر می‌شد.

همزمان، همکاران گروه آتیه در خارج از کشور، به رسانه‌های ضدایرانی و ضدانقلاب نظیر رادیو فردا، صدای آمریکا و بی‌بی‌سی فارسی وارد شدند و سیامک نمازی هم با انتشار تصاویر نارآرامی‌ها، ضمن پوشش خبری حوادث، به تحریک اغتشاشگران می‌پرداخت و کمک‌های مالی و فکری به حامیان فتنه ارائه می‌داد.

بازداشت

در نهایت با دستگیری سیامک نمازی در ۲۴ اکتبر ۲۰۱۶ این شاه‌ماهی پروژه نفوذ و جاسوسی در ایران به دام افتاد. سابقه دستگیری «جیسون رضائیان» همکار نمازی‌ها در پروژه جاسوسی مرکز امنیتی نایاک و موج حمایتی وسیعی که در رسانه‌های غربی برای مبادله وی صورت گرفته بود سبب شد تا باقر نمازی، «قمار امنیتی» تحت عنوان «پدر پیر محکوم امنیتی دربند» آغاز کند و با پاسپورت آمریکایی به امید آزادی سیامک، راهی ایران شود.

با ورود وی به ایران در ۲۲ فوریه ۲۰۱۶ برگ برنده دیگری در اختیار نهادهای اطلاعاتی ایران قرار گرفت و اگر «سیامک» را سرشاخه برنامه نفوذ انگلیسی-آمریکایی در ایران به شمار آوریم بی‌شک ریشه این درخت فساد «باقر»، پدر وی خواهد بود.

موج رسانه‌ای

با بازداشت باقر نمازی رسانه‌های غربی تلاش کردند ضربه امنیتی بزرگ وارد شده به شبکه فساد اقتصادی و خرابکاری امنیتی انگلیس و آمریکا در ایران را تحریف کرده و باقر نمازی را صرفاً «پدر پیر و مریض» سیامک نمازی با حق شهروندی آمریکا نمایش دهند!

با شکست این قمار امنیتی، آمریکایی‌ها علاوه بر فشارهای مضاعف و عملیات‌های روانی تصور می‌کردند با مذاکره مخفیانه می‌توانند نمازی‌ها را هم همانند جیسون آزاد کنند اما برخلاف این تصورات تا کنون در هدف خود موفق نبوده‌اند.

طرح مبادله

مقامات آمریکایی پیشنهاد کردند سیامک نمازی، بدون برگزاری جلسه دادگاه، در ازای رهاسازی بخشی از دارایی‌های بلوکه شده ایران، آزاد شود و همسو با این پیشنهاد با طرح سخنان و بیانیه‌هایی از رویکرد خصمانه ایران در قبال ایالات متحده سخن گفته و سعی داشته‌اند مقامات ایران را به پیشنهاد مبادله راضی کنند.

بازی ادامه دارد!

فارغ از برنامه باقر نمازی مبتنی بر «نفوذ دولتی و تغییر مدنی جامعه ایرانی»، مهم است بدانیم که اتصال تشکلهای سنتی ایران به نهادهای خارجی و تغییرات اجتماعی صورت گرفته توسط باند نمازی‌ها پس از بازداشت آنها موقف خواهد شد یا اینکه توسط مهره‌هایی جدید همچنان ادامه خواهد داشت.

(۱) در شماره بعد به آن خواهیم پرداخت





ارسال کننده: parvaz77

غزوه بنی مصطلق

تمام زنان بنی مصطلق که به اسارت مسلمانان درآمده بودند آزاد شدند. بعضی از اسیران هم با پرداخت فدیة آزاد شدند. همچنین گفته‌اند که مسلمانان به احترام پیامبر که داماد بنی مصطلق شده بودند اسیران خود را بدون فدیة آزاد کردند.

هنگامی که جنگ تمام شد مسلمانان بر سر چاه‌های آب که مقدار کمی آب داشت ماندند. آب آنقدر کم بود که سطل‌ها پر نمی‌شدند. «سنان بن وُبَر» و «جَهْجَاح بن مسعود» همزمان برای گرفتن آب به سر چاه آمدند. به دلیل گیر کردن سطل‌های آب آنان به یکدیگر، درگیری رخ داد. هرکدام از آنان ادعا می‌کردند که سطل آب متعلق به آنان است. در این بین جهجاه به صورت سنان می‌زند و او را زخمی می‌کند. سنان از خزرجیان و جهجاه از قریشیان تقاضای کمک کردند. در این میان «عبدالله بن ابی» که همراه ده نفر از منافقان آنجا حاضر بود با حرف‌های خود بین مهاجران و انصار اختلاف انداخت و گفت: اگر به مدینه بازگردم عزیزان را وادار می‌کنم تا ذلیلان را از شهر بیرون رانند. «زید بن ارقم» که در آن جمع حضور داشت با مشاهدۀ این نزاع به محضر پیامبر (ص) رفت و تمام آن چیزی را که دیده و شنیده بود بیان کرد. عبدالله بن ابی را نزد پیامبر (ص) آوردند. ابن ابی سخنان زید بن ارقم را به سبب نابالغ بودنش تکذیب کرد. به همین مناسبت آیات ۱ تا ۸ سوره منافقون نازل شد و ضمن بازگو کردن سخنان عبدالله بن ابی، با صراحت نفاق او را روشن کرد.

از حوادث مهمی که در غزوه بنی مصطلق رخ داد، داستان افک است. سپاه مسلمانان در راه برگشت از غزوه بنی مصطلق به نزدیکی مدینه که می‌رسند پیامبر (ص) دستور به توقف می‌دهد. پس از مدتی استراحت و هنگامی که شب شده بود فرمان حرکت داده می‌شود. عایشه همسر پیامبر (ص) که در این سفر همراه ایشان بود برای انجام کاری از سپاه فاصله گرفته بود از آنان جا ماند. او به همراه «صفوان بن معطل سلمی» خود را به قافله می‌رساند و این تأخیر سبب می‌شود او مورد اتهام قرار بگیرد. آیات ۱۱ تا ۲۷ سوره نور درباره آن نازل می‌شود. «إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ» و بدین ترتیب از عایشه رفع اتهام شد.

بنی مصطلق طایفه‌ای از قبیله‌ی خزاعه بودند که در مناطق بین مکه و مدینه و در همسایگی قریش سکونت داشتند و از راه دامداری، زراعت و تجارت کسب درآمد می‌کردند. رئیس و بزرگ این قبیله که در جنگ احد جزء همدستان قریش قرار داشت، فردی به نام «حارث بن ابی ضرار» بود.

در سال پنجم یا ششم هجری (اختلاف در زمان این غزوه وجود دارد) روزی به پیامبر (ص) خبر رسید که حارث به همراه گروهی از صحرائش با خرید سلاح و تدارکات لازم خود را آماده‌ی جنگ با مسلمانان کرده است. رسول خدا (ص) «بُرَید بن حصیب اسلمی» را برای کسب اطلاع به طرف بنی مصطلق فرستاد. بعد از جمع‌آوری اطلاعات و مطمئن شدن پیامبر (ص) از حمله‌ی آنان دستور دادند مسلمانان برای جنگ آماده شوند. ایشان «ابوذر غفاری» را در مدینه به عنوان جانشین خود منصوب کردند و همراه با سایر مسلمانان به طرف میدان جنگ راهی شدند.

در این جنگ گروه زیادی از منافقان، که هرگز در جنگ‌های دیگر همراهی نکرده بودند و رغبتی به جهاد نداشتند، شرکت کردند. آنهم فقط به دلیل نزدیکی محل جنگ و برای رسیدن به غنائم. مسلمانان در مسیر خود در بُقْعاء به جاسوسی از بنی مصطلق برخورد کردند که برای کسب خبر از سپاه مسلمانان فرستاده شده بود. جاسوس بنی مصطلق دستگیر و کشته می‌شود. خبر کشته شدن جاسوس، بنی مصطلق را دچار وحشت و عده‌ای از اعراب را از اطراف حارث پراکنده کرد. سپاه مسلمانان در مریسیع ساکن می‌شود. پرچم مهاجرین در دست «عمار» و پرچم انصار در دستان «سعد بن عباد» قرار گرفت. بعد از دستور حمله توسط پیامبر (ص) جنگ به مدت کوتاهی انجام شد و نیروی دشمن مخصوصاً بنی مصطلق که توان مبارزه با مسلمانان را در خود نمی‌دیدند فرار کردند و نفراتی که باقی مانده بودند به همراه زنان و کودکان اسیر شدند.

در این جنگ مسلمانان فقط یک کشته دادند. بعد از اتمام جنگ نیز پیامبر (ص) دستور دادند با اسرا طبق آموزه‌های اسلام و با مهربانی رفتار کنند. «جویریّه» دختر حارث بن ابی‌ضرار در بین اسیران، سهم و کنیز «ثابت بن قیس» بود که از طرف رسول خدا (ص) آزاد شد. پس از آن پیامبر (ص) با جویریّه ازدواج کرد. به واسطه‌ی این ازدواج



قطع کامل رابطه ایران و آمریکا؛ چگونه؟



برای آینده کشور شما تلقی می‌کنم. در این پیام شما موضع خود را در سیاست بین‌المللی مشخص نموده‌اید، این امر مورد توجه ما است... مایلم تاکید کنم که حکومت من وارث وضع بین‌المللی خیلی حساسی می‌باشد که نتیجه سیاست و اوضاع و احوال دیگری است و همه ما را به ارتکاب اشتباهاتی در گذشته وادار کرده است. مزیت بزرگ دموکراسی امریکایی این است که همیشه توانسته است اشتباهات خود را شناسایی نموده و با آن را محکوم کند...

از زمان عزیمت شاه سابق مخلوع از آمریکا که به دلایل انسانی و درمانی پذیرفته شده بود، حکومت من تصمیم گرفت که در این مسائل مداخله نکند... ما با مراجعت او به آمریکا مخالفت کردیم، ما با معالجه او در بیمارستان‌های امریکایی و به وسیله پزشکان امریکایی مخالفت کردیم...

تقنما دارم در بحران فیما بین براساس ضوابط منصفانه و شرافتمندانه مرا یاری نمائید و از این بابت نهایت حق‌شناسی را خواهم داشت.. با تقدیم بهترین احترامات، جیمی کارتر ۳۶ مارس ۱۹۸۰»

امام خمینی(ره) پس از اطلاع از متن این پیام، دستور می‌دهند که این پیام به صورت فوری منتشر شود زیرا چیزی را از ملت پنهان نمی‌دانستند. پس از انتشار این پیام، جودی پاول سخنگوی کاخ سفید اعلام کرد: رئیس جمهور هیچ پیامی خطاب به آیت‌الله خمینی نفرستاده است. اما ابوالحسن بنی‌صدر رئیس جمهور وقت طی اطلاعیه‌ای تاکید کرد پیام کارتر به وسیله کاردار سوئیس به وی تسلیم شده است. به دنبال انتشار پیام کارتر و تکذیب آن از طرف خبرگزاری‌های خارجی، امام توسط حجت الاسلام سیداحمد خمینی اعلام کردند که به این پیام پاسخ نخواهند داد.

پس از این رسوایی، آمریکا در ۲۴ بهمن ۱۳۵۸ قطعنامه‌ای به شورای امنیت ارایه کرد و خواستار اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی و قطع رابطه با ایران به دلیل تصرف سفارت آمریکا گردید. ولی رایزنی‌های هیأت نمایندگی ایران در سازمان ملل و همچنین وتو توسط اتحاد جماهیر شوروی ناکام ماند. در نهایت کارتر در هجدهم فروردین ۱۳۵۹ طی دستوری، قطع روابط سیاسی و بازرگانی با جمهوری اسلامی ایران را اعلام کرد.

در پی تصمیم آمریکا به قطع رابطه با ایران، امام خمینی(ره) بیانیه مهمی منتشر کردند. امام در این پیام ذکر کردند: «اگر کارتر در عمر خود یک کار کرده باشد که بتوان گفت به خیر و صلاح مظلوم است، همین قطع رابطه است.»

کمتر از سه هفته بعد آمریکا تلاش کرد تا با مداخله نظامی، گروگان‌های خود را آزاد کند اما طوفان طمس مانع از تحقق این آرزو شد و در نهایت مجلس شورای اسلامی برای گروگان‌های آمریکایی تصمیم گرفت.

منبع: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

پس از تسخیر سفارت در ۱۳ آبان ۵۸ جیمی کارتر رئیس‌جمهور آمریکا بلافاصله به «رمزی کلارک» و «ویلیام میلر» ماموریت می‌دهد که به ایران سفر کرده و با امام خمینی(ره) ملاقات کنند. حضرت امام به محض اطلاع از سفر این هیئت اعزامی و درحالی‌که نمایندگان آمریکا به ترکیه رسیده بودند، اعلامیه‌ای خطاب به شورای انقلاب صادر می‌کنند. در این پیام که بدون «بسم الله الرحمن الرحیم» نگاشته شده، چنین آمده است:

«از قرار اطلاع، نمایندگان ویژه کارتر در راه ایران هستند و تصمیم دارند به قم آمده و با اینجانب ملاقات نمایند. لهذا لازم می‌دانم متذکر شوم دولت آمریکا که با نگهداری شاه، اعلام مخالفت آشکار با ایران را نموده است و از طرفی دیگر آنطور که گفته شده است سفارت آمریکا در ایران محل جاسوسی دشمنان ما علیه نهضت مقدس اسلامی است، لذا ملاقات با من به هیچ وجه برای نمایندگان ویژه ممکن نیست و علاوه بر این:

۱- اعضای شورای انقلاب اسلامی به هیچ وجه نباید با آنان ملاقات نمایند.

۲- هیچ یک از مقامات مسئول حق ملاقات با آنان را ندارند.

۳- اگر چنانچه آمریکا، شاه مخلوع - این دشمن شماره یک ملت عزیز ما- را به ایران تحویل دهد و دست از جاسوسی بر ضد نهضت ما بردارد، راه مذاکره در موضوع بعضی از روابطی که به نفع ملت است باز می‌باشد.

روح الله الموسوی الخمینی ۱۶ آبان ۱۳۵۸»

پیام مختصر امام بلافاصله در جهان انعکاس یافت و نمایندگان کارتر پس از اطلاع از این پیام، بدون هیچ نتیجه‌ای به آمریکا بازگشتند. چند ماه بعد، کارتر برای نجات از فشارهای داخلی، پیامی خطاب به امام خمینی(ره) فرستاد و پیشنهاد تشکیل کمیسیون مشترکی برای رسیدگی به مسائل دوجانبه را مطرح کرد. او در این پیام ریاکارانه، به برخی اشتباهات آمریکا نسبت به دولت و ملت ایران در شرایط خاص تاریخی اذعان کرد.

پیام کارتر که در ۶ فروردین ۱۳۵۹ نگاشته شده بود از طریق سفارت سوئیس در تهران تسلیم دفتر امام شد. در این نامه آمده است: «عالیجناب! من امکان این را داشتم که پیام بیست و یکم مارس شما را خطاب به مردم ایران بخوانم. من این پیام را یک سند اساسی



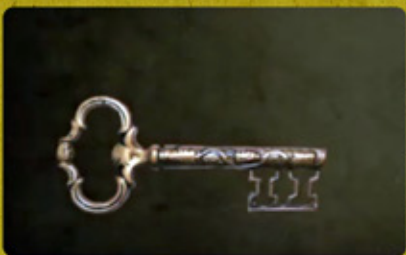
به افتخار هیچ



باغ
برای حفظ برجام



ارغوان



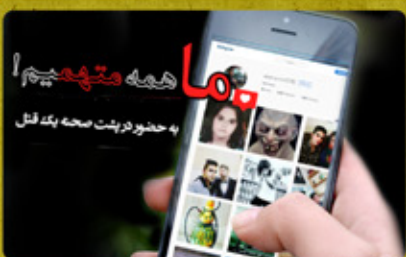
رموز یک کلید



غلطنامه



دختران انتظار...



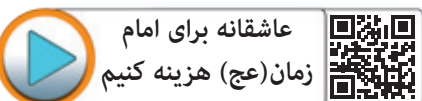
ما همه
متهمیم!



مجاهدان مهاجر



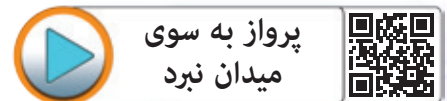
مدافعان عشق



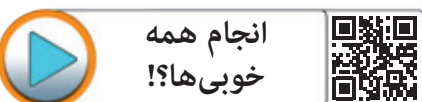
عاشقانه برای امام
زمان (عج) هزینه کنیم



دین شیک ما



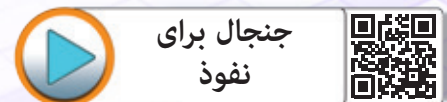
پرواز به سوی
میدان نبرد



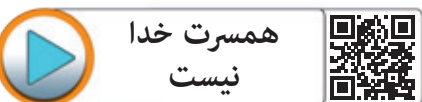
انجام همه
خوبی‌ها؟!



بچه لوس



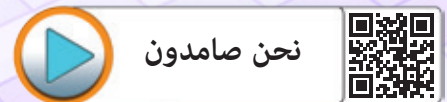
جنگال برای
نفوذ



همسرت خدا
نیست



انتظار فرج



نحن صامدون



دور و بر سبز است و دریامان کبود
به به از آب و هوای بی‌رکود!

طبق آماری که دولت می‌دهد
رد شدیم از آن خرابی‌ها که بود!

عینک دودی برایش لازم است
هر که بر برجام، چشمش را گشود!

وه چه آماری! فدای قلّه‌اش
می‌کند هر روز بالاتر صعود!

هی نگو تولید مختل مانده است
جنس وارد می‌شود با این وجود!

خودروی ملی اگر بی‌مشتی ست
وام خودرو داد دولت زود زود!

هر کجایی هم گرانی دیده‌ای
دولت قبل است کم کاری نمود!

یک نفر در تنگ عید مش حسن
پرتقال انداخت، ماهی را ربود!

کاملاً صادر شده آن پسته‌ها
توی آجیلست اگر پسته نبود!

بی‌شک این عیب از خود جیب شماست
گر که بی‌پولی کند در آن ورود!

باید از امروز مشق خود کنی:
بی‌رکودیم، بی‌رکودیم، بی‌رکود!

زهرآراسته‌نیا

مجلس سنای برزیل رییس
جمهور این کشور را تا
بررسی پرونده‌اش تعلیق
کرد. «دیلما روسف» متهم
به فساد مالی است.
-خجالت بکش!

با این افکار منحرف
فکر کردی رییس‌جمهور ما
رو به خاطر چندتا سانتریفیوژ
و بتن ریزی در راکتور اراک
و تعطیلی تولید در کشور و ...
تعلیق میکنند؟!!

پرونده؟! ... برو توبه کن
بیسواد!



بعد از انتشار عکس دیدار فائزه هاشمی با برخی
از اعضای بهائیت، آیت الله هاشمی طی نامه‌ای به
ریس قوه قضاییه با بیان خطرات گسترش تفکر
فرقه ضاله بهائیت در کشور، طرح مجلس مبنی
برقرار گرفتن دانشگاه آزاد تحت نظارت وزارت
علوم را محکوم کرده و آن را یک بمب دانست!

ایشان در ادامه مواضع انقلابی خود نسبت به
این حرکت نابخشودنی فائزه، شرح مفصلی از
ویرانه‌سازی‌های دولت را قبل ذکر نموده و اشد
مجازات برای آن موجود را خواستار شد.

در این بین وزارت کشور، افرادی که عکس دیدار
فائزه و بهایی‌ها را دیده بودند و نسبت به این
عمل زیبا و کدخداپسندانه اظهار خشنودی نکرده
بودند دستگیر کرد!

«وزیر بهداشت دوباره به
عیادت عباس کیارستمی
رفت ..»
-خوب کاری کرد!
شادی روح هنرمندان
انقلابی از جمله مرحوم
سلحشور صلوات



نیوزویک:

«استراتژی ملک سلمان علیه
ایران چیست؟»

-نیوزویک هم زرد شد!
آخه ملک سلمان که یادش
نمید دو دقیقه پیش شتر
خورده یا ملخ، رو چه به
استراتژی؟!!



حسام‌الدین آشنا، مشاور رئیس‌جمهور:

«طراح گشت نامحسوس و مقصر حمله به
سفارت عربستان، برکنار می‌شود.
دولت نمی‌خواهد آقای احمدی‌نژاد هم
ممنوع‌التصویر شود. دکتر روحانی برجام داخلی
را ادامه می‌دهد.»

- خب دیگه مشکلی نیست فقط مونده گفتمان
بدون موشک با داعش!



محمد ابراهیم امین، رئیس ۶۰ میلیون تومانی بیمه مرکزی
ایران استعفا داد و رفت ... پرویز خوشکلام خسروشاهی، معاون
۴۷ میلیون تومانی به جای او
منصوب شد.

- به این می‌گویند شایسته‌سالاری
یا هرچی پول بدی مقام می‌گیری یا
هرچه جرمش بیش مقامش بیشتر
یا .. اصلاً همان شایسته‌سالاری!

از جوابی که احمد شهید به خبرنگار بی‌بی‌سی
داده اینجوری استنباط میشه اگه با سازمان ملل
همکاری کنی هم میتونی گردن بزنی
هم دست و پا قطع کنی

ماموریت شبکه‌های اجتماعی

نویسنده: میثم اسماعیلی

دیده را عوض کرده‌اند.

روزانه ده‌ها پیام درست و غلط، اصلی و جعلی و حقیقت و دروغ در این شبکه‌ها بدست مخاطب عام می‌رسد که از وضعیت سیاه جامعه ایرانی و کشورهای اسلامی خبر می‌دهد. گویا این کشورها، جهنمی بر روی این کره خاکی است. سپس ده‌ها پیام و خبر درست و غلط می‌بینید که از تمدن غرب بهشتی برین بر روی زمین ساخته‌اند. نتیجه چیزی نیست جز حس سرخوردگی، بدبختی، عقب‌ماندگی و تحقیر در برابر غرب و تمدن غربی. قابل تامل آنکه پای را فراتر نهاده و در نهایت اسلام را عامل این فلاکت و عقب‌ماندگی نشان می‌دهند.

بعضی جریان‌های داخلی نیز از این حس سرخوردگی و حقارت ایجاد شده استفاده می‌کنند و از آنجا که نمی‌توانند صریحاً اسلام را هدف قرار دهند، عامل این بدبختی را افراطیون (بخوانید انقلابیون) عنوان می‌کنند که با سیاست‌های افراطی (انقلابی‌گری) نمی‌گذارند این جامعه‌ی به ظاهر فلاکت‌زده با کعبه آمال این جماعت تعامل کند و از این فلاکت نجات یابد. در حالیکه راه چاره مشکلات فوق، بازگشت به هویت اصیل دینی و ملی فرهنگ خودی می‌باشد.

تاکید می‌شود که مطمئناً در هر فرهنگی نکات مثبت و منفی فراوانی وجود دارد که می‌شود از نکات مثبت آن آموخت و از بخش‌های منفی آن درس گرفت. اما آیا همه واقعیت همین است؟ چرا در طول تاریخ بیشترین جنگ‌ها و کشتارها توسط کشورهای که با نام غرب شناخته می‌شوند، انجام شده که همیشه دو طرف جنگ و یا یک طرف منازعات، نام آن‌ها بوده است. و حتی در جنگ‌هایی که حضور نداشته‌اند مسبب و آتش بیار معرکه بوده‌اند. اضافه کنید فجایع اخلاقی و اجتماعی از قتل‌های چند ده نفره در مدارس و اماکن عمومی و جمعی تا قانونی کردن همجنس‌گرایی و شیطان‌پرستی، استفاده از بمب‌های اتمی و... که رکورد دار همه این فجایع هستند.

با کنارهم قرار دادن موارد فوق می‌توان به این نتیجه رسید که این پازل پیچیده توسط یک اتاق فکر از سوی کشورهای استعمارگر طراحی شده است تا ارزش‌های غرب را به عنوان یک آرمان برای جوامع دیگر از جمله جوانان ایرانی قرار دهند تا بتوانند در نهایت برنامه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خویش را پیش ببرند و سپس ضربه نهایی را بر پیکر کشورهای هدف وارد نمایند.

اگر مدتی شبکه‌های اجتماعی را تحت نظر بگیریم چند نکته جالب توجه انسان را به خود جلب می‌کند آنهم اعتراض و بدگویی نسبت به همه کس و همه چیز است. این بدگویی‌ها از نوع رفتار در هنگام رانندگی و مسائل آن شروع شده تا مباحث جنجالی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی در سطح کلان را در برمی‌گیرد. اگر کمی در فضای مجازی غوطه‌ور شوید اندک اندک به این نتیجه خواهید رسید که ما چه ملت بی‌فرهنگ؛ بی‌اخلاق و خلاصه دور از هرگونه انسانیت می‌باشیم. گاه آنقدر این فضا و اطلاعات و اخبار و شایعات منتشره غلیظ و فراوان است که آدمی را به این فکر وامی‌دارد که ما چگونه در چنین جامعه‌ای زندگی می‌کنیم و یا حتی تاکنون زنده مانده‌ایم؟! نکته این ماجرا مداومت و استمرار در انتشار این گونه مطالب است.

فارغ از اینکه این اخبار و شایعات تا چه حد واقعی یا دروغ است، منظره‌ای سیاه، زشت، پر از جنایت و نیرنگ و یأس از کشور و ملتی را نشان می‌دهد که زمانی با عقلانیت، انقلابی‌خدایی را رقم زدند و بنای تنها حکومت شیعی را پی گذاشتند. که پس از مدتی این سیاه‌نمایی‌ها به کل کشورهای اسلامی تعمیم داده می‌شود.

در برابر این همه سیاه‌نمایی که از سوی جریان‌های خاص به جامعه و شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی القاء می‌شود، اخباری از کشورهای غربی منتشر می‌شود که تماماً مثبت و با خوش‌بینی کامل است. مانند کمپینی که برای حمایت از سگ‌ها تشکیل شده و یا انتشار کلیپی از بخشش لباس توسط یک زن اروپایی به یک فرد نیازمند و قس علی هذا ...

بدین ترتیب، غرب و تمدن غربی را هم‌چون بهشت گمشده و انسان غربی را هم‌چون فرشتگان معصومی نشان می‌دهند که جز خیر و نیکی نمی‌توانند انجام دهند. بی‌تردید، نمی‌توان انکار کرد سیر صعودی آمار رفتارهای نابهنجار اجتماعی و سست شدن برخی اصول اخلاقی در کشور و وجود تعصبات بیجا؛ جهل و افراطی‌گری در برخی کشورهای اسلامی، معلول نفوذ و هجوم فرهنگی و پیروی از فرهنگ غرب و در مقابل، دور شدن از فرهنگ اصیل اسلامی ایرانی جامعه است. اما منظور نگارنده در این مطلب، فقط نوع خاص از محتوا در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی است که یک باور اجتماعی را در فضای حقیقی جامعه شکل می‌دهد. آنچه را که در واقع همان‌ها که به این مشکلات در جوامع اسلامی دامن زده‌اند، اکنون با ظاهری فریبنده، جای زبان رسان و زبان



شده بود. گفتم: «ای بابا سعید جان، این چه حرفی هست، اتفاقی هست که افتاده، خیر هست، حالا اشکال نداره، امام حسین کمک می‌کنه اذیت نمیشم.»

ساعتی گذشت، ورودی یک شهر کامیون ایستاد. راننده گفته بود دیگر از این جا جلوتر نمی‌رود. پیاده شدیم. عده‌ی زیادی ایستاده بودند و با دیدن جمعیت به سمت ما آمدند. فهمیدیم قصد دارند ما را به منازل و موکب‌های خودشان ببرند. همراه یکی از همین‌ها رفتیم. موکب بزرگی داشت. جمعیت زیادی جمع بودند. تازه رسیده بودیم. وسایل‌مان را گوشه‌ای گذاشتیم و نشستیم. به سعید نگاه کردم، هنوز چهره‌اش غمگین بود. خواستم سر صحبت را باز کنم تا از این حال خارج شود که وسط جمعیت صدایی بلند شد: «آقا کی اینجا عینک گم کرده؟ یه عینک پیدا شده، برای هرکی هست بیاد بگیردش.»

توجهی نکردم. عینک من کیلومترها قبل افتاده بود وسط جاده، خودم دیدم. باز همان صدا تکرار شد. سعید گفت: «برو بین عینکه چی هست؟ شاید به چشم‌های تو بخوره، هدیه امام حسین.» گفتم: «نه بابا، صاحبش پیدا میشه. تو هم نگران من نباش. ولش کن.»

کمی گذشت. فردی نزدیک ما شد، رو به من گفت: «آقا، شما عینک گم نکردی؟» و دستانش را جلو آورد، یک عینک دستش بود. مثل یک تکه چوب خشک سرجایم ماندم، مگر می‌شد؟! عینک من وسط جاده، کیلومترها قبل افتاده بود، حداقل دو ماشین را دیده بودم که از روی آن عبور کردند. شاید شباهت هست! مگر فقط همین یک عینک در جهان مانند عینک من تولید شده؟

نه خودش هست! جای دندان‌های پسر کوچکم که دسته‌ی آنرا گاز گرفته بود، روی دسته‌اش بود! خودش بود، اما عینک من وسط جاده افتاده بود. سرم را بالا آوردم تا از آن شخص بپرسم عینک را از کجا پیدا کرده. اما کسی نبود، رفته بود، انگار اصلا از ابتدا نیامده بود. هرچه اطراف را نگاه کردم اثری از او نبود.

بازهم به عینکم خیره شدم، این خاندان، به اندازه یک عینک هم ما را رها نمی‌کنند، زندگی‌مان که جای خود دارد...

به سختی سوار کامیون شدیم. چه جمعیتی! مگر می‌شد وسیله پیدا کرد. همین هم غنیمت بود.

در یک کامیون باری، همه‌ی جمعیت سرپا ایستاده بودند. قدها بلندتر از دیواره قسمت بار بود. ایستاده بودیم و جمعیت اطراف جاده که آرام آرام حرکت می‌کردند را نظاره می‌کردیم. شیشه‌ی عینکم کثیف شده بود، تصاویر تار بودند. به سختی دستمال عینکم را از جیب درآوردم و تمیزش کردم.

چشمانم به عینک حساس بودند، سردرد می‌گرفتم اگر عینک نداشتم. کثیف هم که میشد، بدتر! آخرین لحظه به این کامیون رسیده بودم. قبل بسته شدن در سوار شدم و همان پشت در ایستادم.

جمعیت مثل سیل در حرکت بودند. عده‌ای هم برای رفع خستگی، کنار موکب‌ها می‌ایستادند و چای می‌نوشیدند. بار اول نبود می‌آمدم کربلا. اما اربعین و پیاده‌روی برای اولین مرتبه بود. حس و حال عجیبی داشتم. همه‌ی اطراف را با دقت نگاه می‌کردم. محو این جمعیت عاشق.

در فکر بودم، دستی از پشت روی شانه‌ام نشست. برگشتم. مگر میشد؟ سعید بود، یکی از دوستان قدیمی، بعد از سال‌ها، الان دستانش روی شانه‌ی من بود. به سختی جابجا شد و آمد کنار من. خیلی حرف داشتیم از سال‌ها دوری، ولی الان حرف فقط این جمعیت عاشق بود. چه چیزها که نمی‌دید.

سمت راست جاده، پیرزنی خمیده، دست مردی خمیده‌تر از خودش را گرفته بود و عصاها را به سمت کربلا حرکت می‌کردند. برگشتم این دو نفر را به سعید نشان بدهم که دستش به صورتم خورد و عینکم پرت شد بیرون. تا به خودم آمدم، عینکم را دیدم که وسط جاده افتاده بود و ماشین‌هایی که با سرعت از روی آن عبور می‌کردند.

برگشتم سمت سعید، رنگش پریده بود، دستپاچه شروع کرد به حرف زدن: «وای ببخشید، شرمنده، حواسم نبود، دستم رو آوردم بالا عینک خودم رو تمیز کنم که تو برگشتی، خودم عینکی هستم، می‌دونم خیلی سخت هست عینک نداشته باشی، بیا عینکمو بزن بین به چشمت می‌خوره.» نگاهش کردم، دستانش می‌لرزید، حسابی ناراحت

نویسنده: khademoshahid





مشغل

ارسال کننده: iiighalameshghii

اگر زنی به پزشک مردی مراجعه کند و پزشک برای تشخیص بیماری او نیازمند باشد قسمت هایی از بدن بیمار را نگاه کند یا دست بزند آیا این عمل جایز است؟
ج: در صورتی که معاینه ضرورت داشته باشد و پزشک متخصص زن هم نباشد اشکال ندارد لکن باید به مقدار ضرورت اکتفا شود مثلاً اگر با معاینه از روی لباس تشخیص درد ممکن است بدن لمس نشود و نیز اگر با دستکش ممکن است از دستکش استفاده شود و اگر نگاه به بدن لازم نباشد نباید نگاه کند.

هنرپیشه زن که در فیلم های مختلف نقش همسری برای افراد گوناگون را دارد چه حکمی دارد؟

ج: با مراعات کامل حجاب اسلامی اشکال ندارد، مگر در مورد خصوصی که مفسده ای بر آن مترتب باشد.

آیا خانمی که شغل آرایشگری دارد، می تواند خانم هایی را آرایش کند که می داند به نامحرم نشان می دهند؟

ج: اگر آرایشگر می داند که کار او در جهت حرام بهره برداری می شود، جایز نیست چنین آرایشی را انجام دهد.

من راننده تاکسی هستم. آیا می توانم مسافرانی را که مست هستند، سوار کنم؟

ج: در قرارداد اجاره و تعیین اجرت باید طرفین قرارداد عاقل، بالغ و ملتفت باشند و شخص مست که مشاعرش کار نمی کند، صلاحیت پرداخت اجرت به شما را ندارد.

اگر کسی کافی نت داشته باشد و بداند که برخی مشتریان برای چت (گفتگو) با افراد نامحرم و همچنین رفتن به سایت های غیراخلاقی به کافی نت می آیند، در این وضعیت تکلیف او به عنوان صاحب کافی نت چیست و کسب درآمد از این راه (با شرایط ذکر شده) چه حکمی دارد؟

ج: با علم به اینکه مشتری از ابزاری که در اختیار او قرار داده می شود استفاده حرام می کند، جایز نیست و کسب درآمد از این طریق نیز اشکال دارد ولی در صورت شک در اینکه مشتری از آن بصورت حرام استفاده می کند، اشکال ندارد.



هویت پیمانه

نویسنده: Matinemami

نسبت بین افراد یک خانواده، آن را از صورت یک جمع ساده خارج کرده و هویت تازه ای به آن بخشیده است. یک جمع دو یا چند نفره برای آن که به هویت تازه برسد به شکل دیگرگونه و مستقل از سایر روابط اجتماعی نیاز دارد تا اصول و چگونگی روابط درونی آن جمع را تعریف کند. این هندسه جدید و شکل تازه که ترتیب دهنده هویت و شخصیت خانواده است بر اساس نوع عقیده افراد آن جمع شکل می گیرد و به این معنا که هر عقیده ای، شکل خاصی را برای خانواده رقم می زند و اصول و جواب و دلیلهای خاص خود را برای چراهای روابط درون خانواده ارائه می دهد.

اما اتفاق خارق العاده ای که گاه می افتد این است که خواسته یا ناخواسته دست ایمان و عقیده از شکل دهی به هندسه و تعریف هویت خانواده کوتاه می شود. یعنی افراد خانواده با وجود آنکه یک صدا می گویند به فلان عقیده پای بند هستیم، ولی سبک زندگی و هویتی بی ربط به اعتقاد خود می پذیرند. به عنوان مثال خانواده ای را می بینید که همه اعضا آن متدین هستند اما هریک از آنها، برنامه کاری، تحصیلی، تفریحی و حتی گذران وقت خود در خانه را به گونه ای تنظیم کرده است که این خانواده به ندرت در کنار هم گرد می آیند و به عبارت دیگر عملاً رفتاری را بر خانه خود حاکم کرده اند که بر خلاف عقیده و سبک زندگی دینی شان، اهمیت چندانی به این گردهمایی و گرمای بین افراد نمی دهد. البته این هویت بیگانه، در این گونه خانواده ها به خاطر تناقض های درونی و تضاد در عقیده و رفتار، هویتی متزلزل و در برخی زمان ها مضحک خواهد بود. اما شرایط فردی و اجتماعی، خصوصاً ظاهر و صادق نبودن مبانی عقیدتی این هویت، و مخفی ماندن بیگانگی و اختلاف آن هویت با عقیده و سبک زندگی افراد و نیز کوتاهی در اصلاح رفتار خود بر طبق ایمان، اعتقاد و سبک زندگی خودی، گاهی به گونه ای پیش می آید که این وضعیت مضحک کاملاً پذیرفته شده و به صورتی فراگیر رواج پیدا می کند.

این اختلاف بین عقیده و رفتار در همین جایگاه متوقف نمی شود. اتفاقی که پس از این رخ خواهد داد؛ شوریدن هویت بیگانه و سبک زندگی پذیرفته شده، بر ایمان و عقیده دینی است تاجایی که آن را به اعتقادی ظاهری و پوسته ای خشکیده و بی خاصیت تبدیل کند. بگذریم که گاهی برای تشخیص هویت و اصالت خانواده، به جای بررسی نظام حاکم بر مناسبات درونی خانواده و مقایسه آن با عقاید و سبک زندگی اسلامی، صرفاً به همین پوسته خشکیده متوسل و به نتایجی گمراه کننده دچار می شویم. خطر تغییر هویت خانواده را از آن جهت باید جدی گرفت که دخالت عقاید و رفتار بیگانه حتی آن وقت که هنوز به نابودی ایمان منجر نشده، کارکرد و برنامه خانواده را برای سعادت انسان مختل می کند.



اقتصاد مقاومتی تنها راهی است که می تواند کشور را در برابر تهدیدهای مختلف مصون کند. نیروی انسانی جوان اولین حوزه ای است که دشمن، آن را هدف گرفته است و ما باید به این حمله دشمن مقابله کنیم.



مدیرمسئول نشریه، دانشجو، تولید کننده و فعال رسانه ای عناوین برخی فعالیت های آقای حسین عبادالله زاده، یکی از جوانترین نویسندگان نمونه کشوری است که سعی دارد در کنار تلاش های رسانه ای برای تبیین اقتصاد مقاومتی، در عمل نیز آن را دنبال کند. در این شماره توفیق پیدا کردیم با این جوان موفق استان اردبیل گفتگو کنیم.

لطفا خودتان را معرفی بفرمایید.

حسین عبادالله زاده ۲۳ ساله، تحصیلات کارشناسی مهندسی کامپیوتر (نرم افزار)، فعالیت من در عرصه رسانه شامل خبرنگاری، گزارش نویسی و به صورت کلی مدیریت سایت تحلیلی-خبری هست و در کنار مدیریت سایت، مدیریت نشریه را هم برعهده دارم. البته فعالیت فرهنگی را از حدود ۷ سال پیش شروع کردم و در سطح شهرستان فعالیت های متعددی از جمله برگزاری مسابقات وبلاگ نویسی و مقاله نویسی و برگزاری همایش های مختلف را تجربه کرده ام.

در زمینه نویسندگی که از سال ۹۲ شروع کردم ۲ تالیف داشته ام به نام های «رقص خون» و «انار شکسته» که با توجه به علاقه زیادم به موضوعات دفاع مقدس، این کتاب ها را با موضوع دفاع مقدس نوشتم و در حال حاضر هم کتابی با موضوع اقتصاد مقاومتی و سبک زندگی در حال تالیف دارم که امیدوارم تا پایان امسال تمام کنم.

ان شاء الله... در مورد نشریه کمی توضیح بدهید که چه نوع نشریه ای است؟

نشریه «نسیم سبلان» با خواستگاه سیاسی، علمی و دانشجویی شروع به فعالیت کرده که توسط دانشجویان و برای مخاطب دانشجو تهیه می شود. باوجود حضور گرم نشریه های مختلف در شهرستان مشکین شهر، سال ها بود که در دانشگاه های این شهر جای خالی نشریه ای که هم بنیان ها و پایه های دانشجویی، سیاسی، فرهنگی و علمی را مدنظر داشته باشد و هم بتواند طبع مخاطبان خود را آراسته سازد، احساس می شد.

نشریه «نسیم سبلان» اولین نشریه دانشجویی در شهرستان مشکین شهر است که به صورت گسترده در سطح دانشگاه های شهرستان و استان توزیع می شود و با ادبیاتی ساده، با صراحت و بدون هیچ گونه تعارفی به بیان مشکلات دانشگاه ها و شهرستان می پردازد و مطالبه گری و بصیرت افزایی را جزئی از وظایف خود می داند.

این نشریه با رویکردی فرهنگی، سیاسی، تحلیلی و دانشجویی وارد عرصه شده و به صورت گاه نامه در دسترس دانشجویان قرار می گیرد. تمامی عوامل این نشریه دانشجو بوده و هرکدام از اعضای هیئت تحریریه، مدیریت یکی از سرویس های مختلف نشریه را برعهده دارند.

بسیار عالی. در کتاب هایتان از چه زاویه ای به موضوع دفاع مقدس پرداختید؟

من از کودکی علاقه خاصی به تحقیق در زمینه دفاع مقدس و شهدا داشتم. از حدود ۵ سال پیش تحقیقم را عمیق کردم و در زمینه هایی که کمتر بر روی آنها کار شده بود سعی کردم با توان و امکانات کمی



بله احساس می‌کنم موفق بودیم که در کنار پابندی به آرمان‌ها و موضع‌گیری هوشمندانه، ارتباط نزدیک با مسئولین و ایجاد اعتماد و اطمینان برای مخاطب را در دستور کار قرار دادیم و نتیجه آن هم اینکه در حال حاضر پرمخاطب‌ترین سایت منطقه را داریم.

در رابطه با نشریه، باوجود اینکه نتوانسته‌ایم هیئت تحریریه مناسبی تشکیل بدهیم اما با این حال فکر می‌کنم موفق بودیم.

فعالیت در فضای مجازی چقدر از وقت شما را می‌گیرد؟

من تمام کارهایم را با برنامه‌ریزی انجام می‌دهم تا وقت آزاد نداشته باشم. در فضای مجازی هم هر روز ۲ ساعت کار می‌کنم.

چرا در رشته تحصیلی خودتان مشغول به کار نشدید؟

با توجه به وضعیت فعلی اقتصادی و اشتغال کشور، تولید در زمینه‌های مختلف، کار مناسبی هست که علاوه بر درآمد و سوددهی، اجر معنوی هم خواهد داشت، چراکه با این کار در آینده نزدیک، زمینه را برای اشتغال چند نفر دیگر هم فراهم می‌کنید.

به رشته تحصیلی هم عنوان تخصص خود نگاه می‌کنم و در آینده بطور حتم برای آن برنامه‌ریزی‌های خاصی خواهم داشت چراکه با اوضاع کنونی احساس می‌کنم وقت اضافی بیشتری بعد از فارغ‌التحصیلی خواهم داشت.

جالب است که شما در کنار فعالیت‌های فرهنگی، به تولید

قارچ هم می‌پردازید. چطور شد وارد این صنعت شدید؟

بنده با این شغل از طریق یکی از دوستانم آشنا شدم که مهندسی کشاورزی می‌خواند و یک سالن کوچک پرورش قارچ داشت که بعدها با راهنمایی ایشان و با سنجیدن موقعیت خود، پرورش قارچ را مناسب دیدم.

وضعیت پرورش قارچ‌های خوراکی در ایران چگونه است؟

ایران هم اکنون رتبه شانزدهم را در میان کشورهای جهان در زمینه تولید قارچ خوراکی دارد. این رتبه در شرایطی به دست آمده است که ایران در زمینه تولید قارچ خوراکی، کشوری جوان به شمار می‌رود. قارچ از معدود محصولاتی است که به عنوان یک غذای گیاهی سالم در کشور تولید می‌شود و مصرف آن مخصوصاً در فصل‌های پاییز و زمستان افزایش بسیار زیادی دارد. خوشبختانه امروزه پرورش دهندگان بیشتری از تولید و مصرف فانتزی به تولید صنعتی و انبوه گرایش پیدا کرده‌اند.

که داشتیم کار بکنم. در کنار آن، جمع‌آوری آلبوم‌های خاطره‌انگیز شهدا و رزمندگان، شیرینی این فعالیت را بیش از پیش زیاد می‌کرد. از سال ۹۲ تصمیم گرفتیم بر روی زندگینامه و خاطرات یکی از شهیدان انقلابی که کمر نظام شاهنشاهی را در شهرستان شکست کار کنم.

شهید «دکتر صفرزاده» که کارمند آموزش پرورش بود اما همزمان با کارش به جلسات معنوی آموزش قرآن، روشنگری درباره مسایل روز کشور و آموزش استفاده از سلاح‌ها و ... در آن روزهای خفقان می‌پرداخت. در کتاب «رقص خون» به بیان خاطرات خانواده و همزمان این بزرگوار پرداختم. در کتاب «انار شکسته» بر روی خاطرات یک شهید ۱۴ ساله به نام «علی‌اصغر سیاه‌چشم» کار کردم. شهیدی که با وجود اینکه هنوز ۱۳ سال داشت و هنوز به سن بلوغ نرسیده بود تمام فرایض دینی خود را انجام می‌داد.

با شروع جنگ با اینکه سن کمی داشت و خانواده‌اش ابتدا با رفتنش به جبهه مخالف بودند اما به هر نحوی که بود آنها را راضی کرد و به جبهه اعزام گردید. این شهید والامقام در همان روزهای اول اعزام به منطقه ماووت می‌رود و در عملیاتی شهید و مفقود می‌شود که پس از ۶ سال پیکر شهید در تفحص پیدا شده و به خاک سپرده می‌شود.

راهشان پر رهرو باد.. عملکرد وزارت ارشاد در حوزه کتاب را

چطور ارزیابی می‌کنید؟

بسیار ضعیف و سیاست زده عمل می‌کنند.

باتوجه به فعالیتی که در سطح رسانه دارید، رسانه طراز انقلاب

اسلامی را دارای چه شاخص‌هایی می‌دانید؟

به صورت کلی عرض می‌کنم:

۱. شناخت و پابندی به آرمان‌های انقلاب اسلامی و دفاع از آن

۲. شناخت و مطالعه دقیق جنگ نرم

۳. نشر ماهیت آرمان انقلاب اسلامی و فرهنگ‌سازی آن

۴. قدم برداشتن در یک جریان پویا و مطالبه‌گرانه و پرسشگرانه با توسل به قرآن و سیره اهل بیت (علیهم السلام)

۵. مسلح بودن به ابزارهای مشروع و به روز

آیا رسانه‌های به اصطلاح حزب‌اللهی توان مقابله با رسانه‌های

معاند یا حتی جاهل را دارند؟

بله حتما دارند اما در صورتی که به عنوان یک فعال رسانه‌ای انقلابی، هوشمندانه کار کنند که امروزه از این رویش‌های انقلاب و جوانانی در تراز انقلاب زیاد داریم.

سایتی که مدیریت آن را به عهده دارید چه اهدافی را دنبال

می‌کند؟

بیشتر فرهنگ‌سازی، بصیرت‌افزایی و خبری و تحلیلی

با توجه به شاخص‌هایی که برای رسانه انقلابی گفتید، فکر

می‌کنید در نشریه و سایت موفق عمل کردید؟ آیا نتایج

ملموس دریافت کردید؟

دیده‌ایم که خیلی از افرادی که وارد این شغل می‌شوند، پس از مدتی از آن خارج شده‌اند. این موضوع مربوط به میزان سوددهی این صنعت تولیدی است یا به دلیل نبود تجربه و حمایت و پشتیبانی نهادهای حاکمیتی؟

متأسفانه برخی از افراد عادت دارند بدون هیچ تحقیقی و به سرعت وارد بازار کار شوند و بعد از ورود به کاری تحقیق خود را شروع کنند، در نتیجه شکست خورده یا به موفقیت مطلوب نرسیده‌اند. تولید قارچ هم از این قاعده مستثنا نیست و ناآشنایی با فن این کار، عامل شکست برخی افراد در این شغل است.

شروع یک کار تولیدی نیازمند چه تمهیداتی هست؟

اول داشتن انگیزه و علاقه به آن کار مطالعه و کسب اطلاعات دقیق و کامل در باره آن کار تحقیق و بازدید از طرح‌های مشابه آن تولیدی داشتن سرمایه به میزان حجم تولیدی

اینگونه مشاغل و صنایع هم در سطح فرهنگی و هم در سطح استراتژیک، چه نقشی در کمک به اقتصاد مولد و مقاومتی می‌تواند ایفاء کند؟

ببینید از نظر من انگیزه کار بیشتر از سرمایه باعث و مسبب بیکاری بسیاری از جوانان است. این را در بسیاری از همایش‌ها و در بین جوانان گفته‌ام که متأسفانه بسیاری از جوانان که می‌توانند وارد بازار تولید و کار شوند از مراحل که باید طی کنند هراس دارند. به عبارتی دیگر بسیاری از آنها به دنبال راهی هستند که هم با آسانی طی شود و هم سود بیشتری برای آنها داشته باشد که چنین چیزی هم یا وجود ندارد و یا از طریق غیر مشروع بدست می‌آید. این صنایع مخصوصاً صنایع کوچک می‌تواند این ذهنیت را در جوانان بوجود بیاورد که آنها هم می‌توانند سهمی در بازار تولید داشته باشند و از طرف دیگر هم بیشتر شدن این تولیدی‌ها باعث خودکفایی و کاهش واردات و کاهش بیکاری می‌شود.

به نظر شما هدف از اقتصاد مقاومتی چیست؟

اقتصاد مقاومتی تنها راهی است که می‌تواند کشور را در برابر تهدیدهای مختلف مصون کند. نیروی انسانی جوان اولین حوزه‌ای است که دشمن، آن را هدف گرفته است و ما باید به این حمله دشمن مقابله کنیم.

به نظر شما چگونه می‌توان فرهنگ اقتصاد مولد و مقاومتی را در مردم بوجود آورد و نهادینه کرد؟

باید مردم را با اقتصاد مقاومتی آشنا کنیم تا بتوانند در آن مشارکت داشته باشند و در زندگی خود بدان عمل کنند و بیشترین اهمیت آن در سبک زندگی و میزان مصرف مردم هست. لازم هست الگوی مصرف در ایران آسیب شناسی و بررسی شود. اتفاقاً در کتاب جدید خود که با موضوع اقتصاد مقاومتی و سبک زندگی هست به این مقوله بصورت مفصل پرداخته‌ام.

سبک زندگی کنونی مردم را چطور توصیف می‌کنید؟

خوشبختانه سبک زندگی مردم شهرستان ما بیشتر بر روی زندگی سنتی و ساده پایه‌گذاری شده است. اما بصورت کلی در سطح کشور باید عرض کنم سبک زندگی ما به گونه‌ای است که به طرف مصرف‌گرایی و تجملات سوق داده می‌شود.

آیا حوزه‌های فعالیت اقتصاد مقاومتی مربوط به یک صنعت خاص و محدود به فعالیت خاصی است؟

نه اصلاً. حوزه و گستره موضوع اقتصاد مقاومتی کلی و جامع می باشد و لازم هست در بخش‌هایی مانند صنعت و کشاورزی و گردشگری و... مورد توجه قرار گیرد. برای تحقق اقتصاد مقاومتی، همه اقشار جامعه باید در این عرصه‌ها وارد شوند.

در بحث انتقال فرهنگ اقتصاد مقاومتی چه کارهایی را در حوزه رسانه می‌توان انجام داد؟

به نظر من گفتمان‌سازی و فرهنگ‌سازی اولین قدم‌ها در حوزه اقتصاد مقاومتی است که باید رسانه‌ها به آن توجه ویژه‌ای داشته باشند. رسانه‌ها به عنوان مولفه تاثیرگذار بر افکار عمومی، از طریق تبیین سیاست‌های کلی و اطلاع رسانی دقیق، نقش اساسی در تحقق اقتصاد مقاومتی دارند. علاوه بر این لازم است رسانه‌ها در خصوص اقدامات صورت گرفته اطلاع رسانی داشته باشند و بعلاوه نقش مطالبه‌گر را نسبت به دستگاه‌های دولتی ایفا کنند.

آیا در این باره تجربه‌ای هم دارید؟

بله. در سایت خود بسیاری از تجربیات افراد موفق در زمینه‌های مختلف را برای مردم اطلاع رسانی کردیم و یا به معرفی بسیاری از زمینه‌های اقتصاد مقاومتی به زبان ساده و به صورت کامل و دقیق پرداخته‌ایم. در برخی از زمینه‌ها هم از دستگاه‌های دولتی انتقاداتی داشتیم که برخی از آنها اجرایی شد و برخی‌ها نه.

حرف آخری هم اگر هست بفرمایید.

بنده انتقاد شدیدی به دوستان بسیج دانشجویی دارم متأسفانه از بعد ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی توسط رهبر معظم انقلاب، بجز چند دانشگاه انگشت‌شمار کمترین فعالیتی توسط بسیج دانشجویی انجام نشده است. بسیج دانشجویی باید با قدرت وارد شده و با تبیین اقتصاد مقاومتی برای دانشجویان و مردم و از طرف دیگر مطالبه‌گری از مسئولان نقش‌آفرینی کنند.

و اما با تمام محدودیت‌ها و کمبودها تمام تلاش خود را جهت پیروی از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب به کار می‌گیرم و نه تنها از تلاش‌هایم لذت می‌برم بلکه عاقبت به خیری خود را نیز در آن می‌بینم. به همه دانشجویان و دوستانم پیشنهاد می‌کنم که در کنار علم‌آموزی، نگاه عمیقی هم به آینده خود داشته باشند.

ان شاءالله. با آرزوی موفقیت بیش از پیش و تشکر بابت وقتی که در اختیار نشریه قرار دادید.



ننگ بر پیشانی قاییل می ماند فقط
پیکری صدچاک از هایل می ماند فقط

بت پرستان حجاز آبا گمان کردند که
مکه در دست سپاه فیل می ماند فقط؟

تا که کعبه سینه چاک ماه روی حیدر (ع) است
سهم این نامردمان سچیل می ماند فقط

رحل قرآن نیزه است آنجا و بی تردید پس
صوت بی معنایی از ترتیل می ماند فقط

هرچه این آل یهودی لاف قدرت می زند
طبل توخالیست، قال و قیل می ماند فقط

روسیاهی از شکستی سهمگین از مسلمین
با رژیم نحس اسرائیل می ماند فقط

گرچه سیل از چشم مظلومان عالم جاری است
لشکر فرعونیان در نیل می ماند فقط

در منا، این قتلگاه کربلایی، تا ابد
زمزم خونین اسماعیل می ماند فقط

عاقبت در کل دنیا دین اسلام همان
«احمد»ی که بوده در انجیل می ماند فقط

فاطمه عارف نژاد

یک دل غمزده از دوری دلدار اینجاست
جان پُرغصه و یک دیده ی خونبار اینجاست

هست امید، بیاید به همین زودی زود
یک جهان منتظر دیدن آن یار اینجاست

روزه دار گل یاس است چو مردم، حامی
چشم خیره به افق تا رسد افطار اینجاست

شاد از آمدنش غرق دعای سحریم
نگران از خود و از نفسِ خطاکار اینجاست

جان او دور ز هر غصه به الطافِ خدا
مطمئن از کرمِ حضرتِ دادار اینجاست

خاکِ پایش بشود سرمه ی چشمانِ ترم
چشم‌ها بر قدمِ محرمِ اسرار اینجاست

آرزوی همه، دیدار رخ چون گل اوست
دستِ افراشته تا لحظه ی دیدار اینجاست

روز ما شام سیه گشته و ظلمانی، لیک
هست امید که آن ماهِ شبِ تار اینجاست

Soleiman

بیا که هیبت اسلام را نشان بدهیم
نشان به غرب، نشان به همه جهان بدهیم

بیا که دست به دست هم از تمام وجود
فراز مأذنه ها یکصدا اذان بدهیم

می گذارد از اسلام ما نشانی، غرب
اگر من و تو به این فتنه گر امان بدهیم

غبار تفرقه برخواسته ز جانب غرب
ز گرد فتنه بیا پیرهن تکان بدهیم

هنوز راه شهادت برای ما باز است
چه خوب می شود از عشق، هر دو جان بدهیم

مسعود یوسف پور



عادت‌های راسخ

ارسال شده توسط: soode

اگر ما برای عادت‌های خودمان برنامه‌ریزی نکنیم، یک کسانی پشت پرده نشسته‌اند و برای عادت‌های ما برنامه‌ریزی می‌کنند. از ابلیس رجیم گرفته است تا صهیونیست‌ها و شیطانک‌های فرهنگی‌ای که در عالم هستند و دارند برای عادت‌های رفتاری ما و سبک زندگی ما برنامه‌ریزی می‌کنند.

باید برای از بین بردن عادت‌های بد خودمان برنامه داشته باشیم. باید ببینیم چه عادت‌های بدی داریم و بعد سعی کنیم با این عادت‌های بد مبارزه کنیم و آنها را تغییر دهیم. مثلاً خانم‌ها و آقایان از همسران خود کمک بگیرند تا عادت‌های بد خود را ترک کنند. و فرزندان هم از پدر و مادر خود برای کنار گذاشتن عادت‌های بد خود کمک بگیرند.

روژه یک قدرتی به انسان می‌دهد که می‌تواند عادت‌های خود را عوض کند. لذا در ماه مبارک رمضان راحت‌تر می‌توانیم عادت‌ها و اخلاق بد خود را عوض کنیم. گرسنگی ماه رمضان (و ضعف ناشی از گرسنگی) به انسان کمک می‌کند که عادت‌های خود (مانند عادت‌های گفتاری و رفتاری خود) را تغییر دهد. علاوه بر گرسنگی، ویژگی‌های دیگر ماه رمضان نیز در این زمینه به ما کمک می‌کند، مثلاً اینکه غذا خوردن ما را در اول شب (بعد از غروب آفتاب) قرار می‌دهد، خیلی مطلوب است، چون غذا خوردن در آخر شب بسیار مضر است.

امیرالمؤمنین (ع) درباره اهمیت مبارزه با عادت‌های بد می‌فرماید: «بافضلترین عبادت این است که بر عادت‌های بد خود غلبه کنید؛ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ غَلْبَةُ الْعَادَةِ» (غررالحکم/ص ۱۸۷/حدیث ۴۵) یعنی باید تلاش کنیم عادت‌های غلط خودمان را بشکنیم. پس همان شکستن عادت که فرمودند مثل معجزه است (و خیلی سخت است)، افضل عبادت‌هاست.

حجت الاسلام و المسلمین علیرضا پناهیان





حال دلنواز سنگرهای بخون آغشته، نای جان‌های غربت کشیده می‌خواهد
تا در پرتو منوره‌های آتشبار آسمان خط مقدم، آخرین خاطرات زخم
خوردگان را به تصویر بنشانند.
امروز حس تابلوهای «لبخند بزن بسیجی»، صفای ضمیر، آرامش روح و
قلم از دنیا گسسته را جستجو می‌کند
تا در حریم عشق «با وضو وارد شوید» را سرلوحه‌ی نیت خالصانه اعمال
خویش قرار دهد
و در قربانگاه عشق خود را در پیشگاه اولوهیت روسفید گرداند.

نویسنده: حسین عبادالله زاده

سلام علیک یا زینب الکبری

بسم الله الرحمن الرحيم و لا اله الا الله محمد رسول الله و صلوات الله و آله